

تاریخ دریافت: ۸۹/۱/۳۰
تاریخ پذیرش: ۸۹/۳/۲۸

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۹

تبیین نقش راهبردی فرهنگ در زمینه‌سازی ظهور

دکتر بهرام اخوان کاظمی*

چکیده

بُعد توحیدی و معنوی فرهنگ، وجه غالب آن است. به همین دلیل می‌توان ادیان الهی را مهم‌ترین خاستگاه فرهنگ‌های خلاق و مولد به شمار آورد. فرهنگ و فرآیند اصلاح فرهنگی نقش بی‌بدیل و راهبردی در زمینه‌سازی ظهور دارد و انقلاب اسلامی و فرهنگی ایران نیز وقتی موفق خواهد بود که در راستای دستیابی به این اهداف اصلاحی و فرهنگی حرکت کند. این نوشتار این مدعا را اثبات می‌کند که آسیب‌پذیری و انحطاط در جوامع فعلی، بیشتر از ناحیه فرهنگ است تا تمدنی و تکنیکی. به همین دلیل احیای فرهنگی و اعتلای جوانب معنوی فرهنگ، نقش بی‌بدیل و راهبردی در زمینه‌سازی ظهور و حتی در دولت مهدوی دارد و می‌توان تحقق توحید و سپس عدالت را در اصلاح انحرافات اعتقادی و رفتاری، از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی و راهبردهای دولت مهدوی به شمار آورد. افزون بر این، سایر مؤلفه‌های دیگر نیز به تفصیل در این مقاله تشریح شده است.

واژگان کلیدی

دولت مهدوی، زمینه‌سازی، اعتلای فرهنگ، تمدن، توحید، معنویت، عدالت، اخلاق، انقلاب اسلامی، امام خمینی^{علیه‌السلام}، مؤلفه‌های فرهنگی، اصلاح انحرافات.

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز (kazemi@shirazu.ac.ir)

«فرهنگ» مجموعه‌ای کیفی شامل ارزش‌ها، فرآورده‌های هنری، مذهبی، فلسفی، و تجلیات فکری، ذوقی و عاطفی است که با ویژگی مهم آفرینندگی حیات جوامع انسانی و تمدن بشری را ضمانت می‌کند. بُعد توحیدی و معنوی فرهنگ، وجه غالب آن است. به همین دلیل می‌توان ادیان الهی را مهم‌ترین خاستگاه فرهنگ‌های خلاق و مولد به شمار آورد.

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام، پدیده عظیم فرهنگی است که بر پایه بنیادهای اسلام شیعی استوار گردید. از مبانی استوار این تحول عظیم فرهنگی، توجه به موضوع مهدویت و زمینه‌سازی برای استقرار نظام آرمانی مهدی موعود علیه السلام بوده است. به همین دلیل تعجب‌آور نیست که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، توجه به امام عصر علیه السلام و آموزه مهدویت، چه در ایران و چه در کشورهای مسلمان و چه در سطح دنیا، افزایش فوق‌العاده‌ای یافته است. در حقیقت، این انقلاب فرهنگی، داعیه‌دار شروع اصلاحاتی در عرصه حیات بشری است که وجه نهایی و کمال فرآیند اصلاحی آن در دوره ظهور امام غایب علیه السلام تکمیل خواهد شد.

بنابراین، روشن است که فرهنگ و فرآیند اصلاح فرهنگی نقش بی‌بدیل و راه‌بردی در زمینه‌سازی ظهور دارد و انقلاب اسلامی ایران نیز وقتی موفق خواهد بود که در راستای دست‌یابی به این اهداف اصلاحی و فرهنگی حرکت کند. با توجه به این مطالب مقدماتی، این نوشتار موضوع نقش راه‌بردی فرهنگ در زمینه‌سازی ظهور را با طراحی پرسش‌های زیر و پاسخ به آنها تبیین می‌نماید:

۱. آیا آسیب‌پذیری و انحطاط در جوامع فعلی، بیشتر از ناحیه و حوزه فرهنگی است یا تمدنی و تکنیکی؟

۲. احیا و اعتلای فرهنگی چه نقش بی‌بدیلی در زمینه‌سازی ظهور دارد؟ آیا چنین احیایی بیشتر باید در زمینه فرهنگ معنوی صورت‌پذیرد یا در حوزه فرهنگ مادی و تمدنی؟

۳. فرهنگ در جامعه و دولت زمینه‌ساز می‌بایستی چه ماهیت و ویژگی‌های اساسی داشته باشد؟ و مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی دولت مهدوی کدام است؟

بر اساس این پرسش‌ها، فرضیه زیر قابل طرح است: «به نظر می‌رسد که آسیب‌پذیری و انحطاط در جوامع فعلی، بیشتر از ناحیه فرهنگی است تا تمدنی و تکنیکی. به همین دلیل احیای فرهنگی و اعتلای جوانب معنوی فرهنگ، نقش بی‌بدیل و راه‌بردی در زمینه‌سازی ظهور و حتی در دولت مهدوی دارد و می‌توان تحقق توحید و سپس عدالت را در اصلاح انحرافات اعتقادی و رفتاری، از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی و راه‌بردهای دولت مهدوی به شمار آورد.»

این مقاله با آزمودن این فرضیه و روایی‌سنجی آن، به پرسش‌های مطرح پاسخ می‌دهد.

۱. چیستی فرهنگ و معنا کاوی آن

در قرن بیستم و طلیعه قرن بیست و یکم، نظریه‌پردازی و تحلیل انتقادی درباره فرآیندها و فرآورده‌های فرهنگی در جوامع معاصر، منظرها و حجم و مطالعات گسترده‌ای به خود اختصاص داده است. البته عوامل متعددی در این موضوع مؤثر بوده است، هم‌چنان‌که مهاجرت‌های گسترده و افزایش بی‌سابقه تماس‌ها و ارتباطات فرهنگی، باعث توجه فزاینده به تفاوت‌های موجود میان فرهنگ‌ها گشته است. هم‌چنین در خود کشورهای غربی از بعد از جنگ دوم جهانی به دلایلی مختلف، صحنه فرهنگی کاملاً دگرگون شد و «صنعت فرهنگ» نوعی آمیختگی میان تجارت و فرهنگ به وجود آورد. گسترش شبکه‌های ارتباطی در سطح جهان موجب شد تا رسانه‌ها نقش عمده‌ای در اشاعه و گسترش فرهنگ مدرن ایفا کنند. افزون بر این، فرآیند جهانی شدن فرهنگ، واکنش‌های مقاومت‌آمیزی را برانگیخته است. (نک: بشیریه، ۱۳۷۹: ۷) بدیهی است که مجموع عوامل پیش‌گفته ضرورت بررسی موضوع فرهنگ و تکثر آن و ضرورت آسیب‌شناسی و بهینه‌سازی این پدیده مهم را بیش از پیش در سطوح ملی، بین‌المللی و جهانی افزایش داده است.

اما تبیین مفهوم فرهنگ، حجم انبوهی از نظریات و تعاریف متنوع را به خود اختصاص داده است. سر ادوارد تایلر در کتاب کلاسیک خود با عنوان *فرهنگ ابتدایی*، فرهنگ را چنین تعریف کرده است: «مجموعه پیچیده‌ای شامل دانش‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، رسوم و هرگونه توانایی و عادات دیگری است که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه اکتساب می‌شود.» (Taylor, Primitive culture, 1871:1)

نویسنده‌ای دیگر سه تعریف کلی از فرهنگ ارائه داده است: نخست فرهنگ به منزله فرآیندی عمومی در تکامل و توسعه فکری، معنوی و زیباشناختی، دوم فرهنگ به منزله شیوه خاص زندگی مردمی خاص یا دورانی خاص و سوم فرهنگ به منزله فرآورده‌های فعالیت فکری و هنری. در ذیل تعریف اول کل فلسفه، اندیشه، هنر و خلاقیت فکری یک عصر یا کشور می‌گنجد، در ذیل مقوله دوم رسوم، آداب، مراسم و مناسک یک قوم یا دوران جای می‌گیرد و در ذیل تعریف سوم شعر و ادبیات و هنرهای مختلف مندرج است. (Williams, Keywords, 1983: 87-90)

در معنایی گسترده‌تر فرهنگ عبارت از همه فرآورده‌ها و تولیدات انسانی است که در مقابل فرآیندها و تولیدات طبیعت قرار می‌گیرد. حتی اگر این معنا را گسترش بیشتری دهیم، طبیعت نیز جزئی از فرهنگ می‌شود؛ زیرا «طبیعت» به عنوان مفهوم، برداشتی انسانی و انتزاعی است و از این‌رو، مانند دیگر پدیده‌های فرهنگی دارای تاریخ است. امروزه از فرهنگ به عنوان مجموعه‌ای کیفی شامل ارزش‌ها، فرآورده‌های هنری، مذهبی، فلسفی و تجلیات فکری، ذوقی و عاطفی یاد می‌نمایند که ضامن حیات جوامع انسانی و تمدن بشری است. (نک: اخوان کاظمی، ۱۳۷۸: ۸۰-

۸۱؛ پهلوان، ۱۳۸۲: ۳۵-۷۳) از نظر گیدنز فرهنگ عبارت است از ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی که تولید می‌کنند. در این تعریف، ارزش‌ها به معنای آرمان‌های انتزاعی هستند، حال آن‌که هنجارها، اصول و قواعد معینی هستند که از مردم انتظار می‌رود آنها را رعایت کنند. هنجارها نشان‌دهنده «بایدها» و «نبایدها» در زندگی اجتماعی هستند. (نک: گیدنز، جامعه‌شناسی، ۱۳۷۳: ۳۶)

بر همین مبنا «فرهنگ سیاسی» مجموعه نگرش‌ها و ارزش‌هایی به شمار می‌رود که به فرآیند و زندگی سیاسی شکل می‌بخشد. در واقع نظام سیاسی فقط از ساختارها تشکیل نمی‌شود، بلکه شامل مجموعه‌ای از طرز فکرها و رفتارهای کم و بیش به هم پیوسته می‌شود. «فرهنگ سیاسی» متأثر از فرهنگ عمومی جامعه است، ضمن آن‌که محصول عملکرد نظام سیاسی و برآیندی از رفتار عمومی، سلیقه‌ها و تجربه‌های شخصی محسوب می‌شود. نگرش و جهت‌گیری‌های سیاسی یک جامعه به پدیده قدرت، حکومت و نظام سیاسی، هم‌چنین کیفیت خواست‌ها و تکالیف متقابل بین مردم و حکومت در فرهنگ سیاسی بررسی می‌شود؛ زیرا این فرهنگ، مجموعه‌ای از ایده‌ها و ارزش‌هاست که عمل سیاسی در قالب آن رخ می‌دهد. فرهنگ سیاسی شامل تلقی مردم و جهت‌گیری آنها به نظام سیاسی و کارکردهای آن، ساختارها و نهادها و عملکردهای سیاسی است. بنابراین مقولات مهمی مانند میزان تحزب، مشارکت سیاسی، شیوه رأی دادن، حمایت یا بی‌اعتنایی به نظام سیاسی در مقوله فرهنگ سیاسی بررسی می‌شود؛ زیرا مقولات یاد شده تا حد فراوانی به ارزش‌ها، اعتقادات، انگاره‌ها و نهاد‌های نهادینه شده بستگی دارد که معمولاً در فرهنگ سیاسی جای می‌گیرند.

باید خاطر نشان نمود که هنجارهای فرهنگی در دو معنای متفارق به کار می‌روند: یکی هنجار رایج و آماري و دیگری هنجار مطلوب و آرمانی. بر این مبنا برخی صاحب‌نظران، فرهنگ را صرفاً به معنای مجموعه هنجارهای آرمانی و مطلوبی به کار می‌برند که انتظار می‌رود مردم در کردار خود آنها را مراعات کنند. اما فرهنگ در معنایی گسترده‌تر دربر گیرنده هنجارهای رایج و متداول نیز هست، به‌ویژه در نظریه‌های فرهنگ توده‌ای در قرن بیستم به این معنا از هنجار توجه بسیار بیشتری معطوف شده است. فرهنگ توده‌ای مدرن، به تعبیرهای گوناگون همان فرهنگ «مُنحط» یا «عوامانه» یا «توده‌ای» یا «کاذبی» گفته می‌شود که به هر حال متداول است و مردم در آن زیست می‌کنند. بدین لحاظ فرهنگ توده‌ای را به معنای مجموعه‌ای از هنجارهای رایج و غیر آرمانی به حساب می‌آورند که از هنجارهای فرهنگ آرمانی فاصله گرفته است. (نک: بشیریه، ۱۳۷۹: ۸ و ۱۰)

از آن‌جا که مبادی بنیادین آموزه‌های اسلامی بر ارزش‌های الهی مبتنی است و اصلی‌ترین صبغه انقلاب اسلامی ایران نیز بُعد ارزشی و فرهنگی آن است، مفهوم‌شناسی «ارزش‌ها»

(values) و تبیین این واژه نیز مفید خواهد بود. به اعتقاد بروس کوئن «ارزش‌ها احساسات ریشه‌داری هستند که همگی اعضای یک جامعه در آن سهیمند». (بروس کوئن، ۱۳۷۰: ۵۶) در حقیقت، ارزش‌ها به باورداشت‌های ریشه‌داری اطلاق می‌شوند که اعضای یک گروه در هنگام برخورد با پرسش‌های مربوط به شایست و ناشایست‌ها، آنها را در نظر می‌گیرند. یک گروه ممکن است برای مواردی ارزش مثبت و برای مواردی دیگر ارزش منفی قائل شود. (نک: همان، ۴۸) ارزش‌ها از عناصر تشکیل دهنده فرهنگ‌ها هستند، همچنان‌که اندیش‌مندانی مانند آنتونی گیدنز، از زاویه فرهنگ و هنجارها به تعریف ارزش‌ها پرداخته‌اند. به نظر این اندیشمندان:

ارزش‌ها، عقایدی است که افراد یا گروه‌های انسانی درباره آن‌چه که مطلوب، مناسب، خوب یا بد است دارند. ارزش‌ها نمایان‌گر جنبه‌های اساسی تنوعات در فرهنگ انسانی است. آن‌چه را که افراد ارج می‌نهند به شدت از فرهنگ ویژه‌ای که در آن زندگی می‌کنند تأثیر می‌پذیرد. (گیدنز، ۱۳۷۳: ۷۸۷-۷۸۸)

گفتنی است از اصلی‌ترین خاستگاه‌های بنیادین ارزش‌ها، مذاهب و ادیان الهی هستند که نقش اساسی را در تولید و حفظ و استحکام ارزش‌ها ایفا می‌نمایند و بدین‌سان، مذاهب از اصلی‌ترین عوامل خلق و آفرینش و هویت‌بخشی به فرهنگ‌ها، هنجارها و رفتارهای اجتماعی به شمار می‌روند. (نک: مزلو، ۱۳۸۶)

۲. معناشناسی تمدن

مفهوم تمدن تا به حال بحث و اختلاف‌نظر بسیاری از پژوهش‌گران را برانگیخته است. این کلمه مصدری عربی از باب «تفعل» و اسم مصدر فارسی است. علامه دهخدا تمدن را «تخلُّق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و همجیّه و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت» دانسته و همو به نقل از *اقرب الموارد*، تمدن را دارای خصیصه مؤلّد بودن (مولده) برشمرده است. وی با توجه به سایر لغت‌نامه‌ها، تمدن را به ترتیب به «در شهر بود باش کردن و انتظام شهر نمودن و اجتماع اهل حرفه»، و «اقامت کردن در شهر»، «شهرنشینی» و «مجازاً تربیت و ادب» معنا کرده است. (نک: دهخدا، ۱۳۷۳: ۶۱۱۰۹)

در زبان عربی در کنار اصطلاح تمدن، مترادف‌هایی مانند «حضارة»، «ثقافة» و «مدنیة» آمده است، همچنان‌که قاموس *المنهل المتمدن* را به معنای «متحضر و مهذب» یاد کرده و متمدن‌سازی را با افعال عربی «تحضیر»، «تمدن»، «تهذیب»، «تثقیف» یاد کرده است. (نک: جبور و دیگران، ۱۹۸۶: ۲۰۷)

در زبان‌های انگلیسی و فرانسوی، اصطلاح تمدن با واژه‌های «Civilization» برگردان می‌شود که در تلفظ با هم متفاوتند و هر دو از ریشه کلمه انگلیسی «Civil»، به معنای «مدنی» و «با تربیت اجتماعی» برگرفته شده‌اند. این کلمه در فرهنگ‌های انگلیسی مترادف با کلمات

مؤدب، بانزاکت، نجیب، مبادی آداب، قابل احترام، شهرنشین آمده (نک: بختی، ۱۳۷۱: ۸۹) و در فرهنگ‌های فرانسوی زبان آن را مترادف با کلمات پیشرفت و ترفیع، ترقی و توسعه، تحول و تطور ذکر می‌کنند. (Voir, 1989: 320)

در قرآن مجید هم برای تمدن، الفاظی با ریشه «م - د - ن» و یا «ح - ض - ر» مانند «مدینه»، «مدائن» و «حاضرة» وجود دارد و نیز چند کلمه قرآنی «امت»، «قریه» و «قرن» نیز هست که با این واژه ارتباط نزدیکی دارند. «قرن» به معنای قومی که در یک زمان زندگی می‌کنند و قرین و همراه هم هستند معنا شده است و «قریه» اسم موضعی است که مردم در آنجا جمع می‌شوند و نیز برای جمع مردم نیز در قرآن آمده است. لفظ قریه (و جمع آن قُری) و قرن در اغلب آیات در موارد ذم به کار رفته و هلاکت و عذاب اهل مکان یا دیاری را نتیجه ظلم یا کفر یا فسق آنها دانسته است.

اما تعاریفی که از تمدن در دوران معاصر شده است، دامنه وسیعی را دربر می‌گیرد. هنری لوکاس معتقد است پاسخ به چستی تمدن دشوار است و راه به مسائل فلسفی می‌برد. پدیده‌های درهم تنیده تمدن، هم مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و هم گسترش و کمال هنر، ادبیات، تفریحات، علم، اختراعات، فلسفه و دین را دربر می‌گیرد. (نک: لوکاس، بی‌تا: ۱۶ و ۷) ویل دورانت نویسنده تاریخ تمدن بهترین تعاریف تفصیلی از تمدن را مطرح کرده است. وی تمدن را به صورت کلی، عبارت از نظم اجتماعی می‌داند که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. (دورانت، ۱۳۶۵: ۳)

تمدن، نظامی است اجتماعی که آفرینش فرهنگی را شتاب می‌بخشد و عرف، اخلاق و قانون آن را نگاه می‌دارد و نیز نظامی است اقتصادی که با مداومت تولید و مبادله برقرار می‌ماند. تمدن آفرینش فرهنگ است؛ زیرا برای نوآوری و اظهار و آزمون و برخورداری از اندیشه‌ها، زمینه و آزادی لازم را تسهیل و فراهم می‌کند. تمدن رشته‌ای است پیچ در پیچ و زودگسل از روابط انسان‌ها که دشوار به دست می‌آید و آسان تباہ می‌شود.

۳. خاستگاه دینی فرهنگ و تقدم و ارجحیت آن بر تمدن

سخن دربارهٔ وجوه تشابه و تمایز فرهنگ و تمدن، بسیار گفته‌اند. در گذشته بسیاری از جامعه‌شناسان واژه‌های فرهنگ و تمدن را برای تمایز اقوام وحشی و ابتدایی با اقوام فرهیخته به کار می‌بردند، اما بعدها نیز این دو واژه کاربردی را متفاوت با هم می‌انگاشتند. برای نمونه اشنپنگلر، فیلسوف آلمانی، به تفارق و تعامل تمدن و فرهنگ اشاره می‌کند و فرهنگ را مجموعه‌ای کیفی‌تر و در حکم امکانات حیات جامعه می‌داند و تمدن را به مثابه صورت خارجی و کمی این مجموعه کیفی به شمار می‌آورد.

به نظر «آلفرد وبر» تمدن قبل از هر چیز دیگر معرفت علمی و فنی تسلطی است که به کمک این دو بر منابع طبیعی به وجود می‌آید و منظور او از فرهنگ، فرآورده‌های هنری، مذهبی، فلسفی و سایر محصولات مشابه یک جامعه است. این تمیزگذاری با تمیزگذاری رایج میان فرهنگ مادی و فرهنگ غیرمادی در نوشته‌های انسان‌شناسی و باستان‌شناسی، همانندی فراوان دارد.

باتامور نیز در این حوزه سخن رانده است. (نک: باتامور، ۱۳۷۰: ۱۳۵ و ۱۳۴) البته بحث وی در مورد تمایز تمدن و فرهنگ تا حدی دچار ابهام است؛ زیرا از یک سوی او بر طرز تلقی «آلفرد وبر» از رابطه این دو به مثابه «فرهنگ مادی (تمدن) و فرهنگ غیرمادی (فرهنگ)» تأکید ورزیده و آن دو را دو عنصر کلیت فرهنگی به شمار آورده است و در جای دیگر، تمدن را همانند یک مجموعه فرهنگی دربرگیرنده فرهنگ مادی و غیرمادی توصیف کرده است. از سوی دیگر دقیقاً مشخص نیست که از دید باتامور، از تمدن و فرهنگ کدام یک وظیفه انتقال علوم و معارف بشری را بر عهده داشته و کدام یک ایستاتر هستند؟

برخی از جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان غربی رابطه بین تمدن و فرهنگ و جامعه را به‌طور کلی در مفهوم «ساخت» بازتاب داده‌اند؛ زیرا ساخت، شامل همه آثار فرهنگی و تمدن‌های کاملی است که همانند یک ملاط، ساخت جامعه را فراهم می‌آورد. (نک: توسلی، ۱۳۷۱: ۱۴۷ و ۱۴۶) به نظر می‌رسد که در بحث ساخت‌گرایان، چندان تمایزی میان تمدن و فرهنگ نهاده نشده و هر دو، عنصر و ملاط اصلی ساخت‌های اجتماعی جوامع به شمار می‌روند.

از سویی ممکن است گفته شود تفاوت و تمایز معنایی در میان دو واژه تمدن و فرهنگ دوروی یک سکه بوده و رابطه میان آنها چیزی به مانند رابطه جسم و جان در انسان، یعنی رابطه اعمال و حرکات و تظاهرات جسمانی و حالات و تجلیات فکری، ذوقی و عاطفی است. رابطه میان آنها متقابل و متعامل است و هریک تحول و تطور دیگری را موجب می‌گردد و هر دو در هم مؤثر و لازم و ملزوم یک‌دیگرند. (نامه فرهنگ، ۱۳۷۲: ۳-۱۱)

بدین ترتیب و به اختصار می‌توان در بازشناسی تمدن و فرهنگ، تمایز آنها را به مثابه فرهنگ مادی و معنوی پذیرفت. تمدن، مظاهر مادی پیشرفت همانند ترقی، تکنولوژی و صنعت را دربر می‌گیرد و فرهنگ شامل جلوه‌ها و آثار و مظاهر معنوی، همانند دین، هنر، فلسفه، اخلاق و می‌شود.

تمیزگذاری در نگاه راه‌بردی از این جهت اهمیت دارد که امروزه افول و عقب‌افتادگی جهان اسلامی عموماً در حوزه تمدن اسلامی است، نه فرهنگ اسلامی. در حال حاضر فرهنگ اسلامی از همه فرهنگ‌ها برتر است و این همان معنای «حدیث اعتلا» از پیامبر ﷺ است که «اسلام برتری می‌گیرد و چیزی بر آن علو و برتری نمی‌یابد». این برتری به دلیل شامخیت مقام فرهنگ

اسلامی است، در حالی که تمدن و پیشرفت آن از یک سو به کوشش و تلاش خود افراد جوامع بستگی دارد و از سوی دیگر به اوضاع و احوال و حوادث دوران مربوط می‌شود.

در نتیجه فرهنگ اسلامی از تمدن اسلامی تمایزپذیر نیست؛ چون دین و وحی الهی، اساس مشترک آنها به شمار می‌رود و به تعبیری فرهنگ آنها همان دین است. از این رو دین در تمدن دینی، فقط یک عامل از عوامل تشکیل دهنده فرهنگ نیست، بلکه واقعیت دین‌داری، سراسر فرهنگ را تشکیل می‌دهد و هر چیزی از وحی الهی سرچشمه می‌گیرد. در حقیقت، دین‌باوری و خدامداری (و نه انسان‌مداری) و ضرورت اتصال به عالم ربوبی، رکن اصلی تمدن و فرهنگ اسلامی و شرط اساسی تجدید اعتلای آن در دوره قبل و بعد از ظهور است، همان گونه که علت اصلی بحران و افول تدریجی تمدن غرب در نهادن انسان به جای خدا و فردیت‌پرستی است.

فرید وجدی با تأکید بر بنیادین بودن نقش دین و معنویت یا همان فرهنگ معنوی برای تأسیس تمدن، در کتاب دین در عصر دانش می‌نویسد:

تمدن با هر سرزمینی سازگار و با هر نژادی قابل دوام است، ولی در سرزمینی که ارکان تمدن یک‌نواخت و هم‌آهنگ باشد، یعنی نیروی مادی و معنوی، قوای جسمی و روحی به طور مساوی تکامل پیدا کند و در راه آن کوشیده شود، تمدن می‌تواند در راه ترقی گام بردارد. این نکته را هم نمی‌توان نادیده گرفت که هرگاه رشد صنعتی هم‌دوش رشد اخلاقی نباشد، اجتماع به سوی توحش اخلاقی ره‌سپار می‌گردد و ارکان چنین تمدنی که فقط تمدن صنعتی آن تکامل یافته است به سوی تزلزل و نابودی است. (زمانی، ۱۳۴۸: ۳۲)

۴. مروری بر ضعف‌ها و آسیب‌های فرهنگی جهان معاصر

نگاهی اجمالی به وضعیت تمدن و فرهنگ دنیای معاصر به خوبی نشان می‌دهد که اگرچه هر روز و هر ساعت بر پیشرفت‌های مادی و تمدنی بشر افزوده می‌گردد، رشد تمدن مادی و یا به عبارتی رشد بخش مادی فرهنگ با بخش معنوی آن همراه نبوده و جهان در حوزه فرهنگی پس رفته است و فرآورده‌های معنوی فرهنگ همانند اخلاق و دین‌باوری با توسعه‌ای موزون و هم‌پا با تمدن و پیشرفت‌های مادی ارتقا و تعالی نیافته‌اند. لذا وضعیت فرهنگی موجود چه در جهان کنونی و چه در جهان اسلام از شرایط مطلوبی برخوردار نیست و حتی کشور ما نیز از این آسیب مصون نمانده است. به همین دلیل اجرای اصلاحات فرهنگی برای تمهید ظهور دولت موعود، ضروری به نظر می‌رسد. بنابر این ضرورت، در سطور بعد به برخی از نارسایی‌های فرهنگی در نظام‌های غربی و اسلامی اشاراتی مختصر می‌شود:

۱-۴. در نظام‌های غربی

نگرشی کوتاه به جهان معاصر نشان می‌دهد در عصر فرامدرنیته که علم و فن‌آوری استیلا دارد و انواع مکاتب به ظاهر عقلانی و پیشرفته بشری سردمدارند، نه تنها سعادت که صلح،

امنیت و آرامش واقعی برای بشر حاصل نیامده است، بلکه بسیاری از انسان‌ها با معضلات بی‌شماری مانند جنگ، گرسنگی، بی‌سوادی، عقب‌ماندگی، جهل و خرافه‌پرستی مواجهند و فرآیند تدریجی انحطاط فرهنگی به وضوح به چشم می‌خورد. جنگ‌ها و تهدیدهای بی‌پایان، هم‌چنان بر فضای زیست‌روانی و فیزیکی انسان‌ها سایه می‌افکند. از سوی دیگر، انسان و جامعه به ظاهر پیش‌رفته و متمدن غربی نیز با دوری از تعالیم الهی، سر در گریبان تمایلات نفسانی و مادیت صرف سوداگرایانه نهاده و در حقیقت معنا و هویت واقعی انسانی و فرهنگی خود را از دست داده و در بحران معنای زندگی و تحیر، گم‌گشتگی و از خودبیگانگی بیشتری قدم نهاده است.

امروزه تمدن غربی، به افسانه «شاه میداس» شباهتی پیدا کرده است. میداس تقاضا کرده بود که به هرچه دست می‌زند طلا شود و این قدرت را پیدا کرده بود، اما گرسنه و تشنه ماند؛ چون آب و نان هم در دست او تبدیل به طلا می‌شد، آن چنان درمانده گشت که از دیویونوس خواست این قدرت شگفت را از او بگیرد.

ایالات متحد آمریکا پس از فروپاشی شوروی، مدعی تمدن جهان‌مدارانه خود است، در حالی که این کشور در بحران‌های اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی دست و پا می‌زند. شواهد زیادی در دهه‌های اخیر در این زمینه وجود دارد که از جمله تحقیقات اداره پلیس کالیفرنیا و اداره آموزش و پرورش آن ایالت به مشکلات نظم و آرامش و انضباط دانش‌آموزان اشاره می‌کند. در این پژوهش مشکلاتی که چهل سال پیش از نظر انضباطی و حفظ نظم در مدارس آن‌جا وجود داشته با مشکلات دهه هشتاد مقایسه شده است:

مشکلات دهه چهل: سخن گفتن سر کلاس، جویدن آدامس، سر و صدای اضافی در مدرسه، دویدن در راهروها، بی‌انضباطی در سر صف، پوشیدن لباس نامناسب، استفاده نکردن از ظرف آشغال.

مشکلات دهه هشتاد: استفاده از مواد مخدر، استفاده از الکل، خودکشی، تجاوز جنسی، دزدی، سرقت و آتش‌افروزی، کتک‌کاری و ایجاد انفجار. (اخوان کاظمی، ۱۳۷۶: ۱۱۹)

این گزارش که درباره یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه یعنی آموزش و پرورش است، میزان ناامنی و انحطاط فرهنگی جامعه غربی و به‌ویژه آمریکا را نشان می‌دهد. اشاره به بعضی از نظرات مطرح شده از این منظر به تمدن غربی خالی از فایده نیست:

رنه‌گون، «فردیت‌پرستی» را علت اساسی سقوط و انحطاط کنونی باختر زمین می‌داند؛ زیرا همین فردگرایی به گونه‌ای، محرک و موجد رشد و تکامل بی‌نظیر پست‌ترین امکانات نوع بشر گردیده است. فردیت‌پرستی، بیش از هر چیز نفی اشراق و شهود روحی را در پی دارد که استعدادی فوق بشری است. مقصود وی از «فردیت‌پرستی» نفی هرگونه اصل برتر از فردیت و در نتیجه محدود کردن تمدن، در جمیع شئون به یگانه عواملی است که جنبه انسانی و مادی صرف

دارند. راه‌حل گنون برای غلبه بر نابسامانی تمدن غرب و نجات انسان، وفاق و هم‌گامی نهضت‌گونه غرب و شرق در بازگشت به معنویت است. (نک: گنون، ۱۳۷۲: ۱۰)

دیگر از دیدگاه‌های ناظر به انحطاط فرهنگی جهان غرب مربوط به ژان فوراستیه است. وی در کتاب *تمدن سال ۲۰۰۱* به اختصار در پی تشریح و تبیین مشکلات تمدنی بشر در زمان حال و آینده است. او ضمن تشریح فراز و نشیب‌های اقتصادی در قرن بیستم، به تشریح ناکامی‌های بشر در قرن بیستم پرداخته است. به نظر وی، انسان متعارف ثروت‌مند امروزی، از انسان متعارف فقیر دیروزی خوش‌بخت‌تر نیست. بدون تردید حتی از او بدبخت‌تر هم هست؛ چرا که در گذشته کار سخت شبانه‌روزی، کمبود تغذیه، کمبود سوخت، فقر دهشت‌بار و نبود امکانات رفاهی، زندگی را بر انسان دشوار می‌ساخت. اما با تمام این مشکلات، بشر آن روز بی‌دغدغه بود و گاهی آهنگی و آوازی و خنده‌ای نیز از در و دیوار زندگی به گوش می‌رسید. امروز آن مشکلات اقتصادی دیگر کمتر وجود دارد، بسیاری از مردم از پاره‌ای امکانات برخوردارند اما در عوض سرسام، هذیان، حرص، تشویش، عصبانیت و زیاده‌طلبی نیز چون خوره به جان هستی و زندگی افتاده است. (ژان فوراستیه، ۱۳۶۸: ۱۰۴)

در دو سه دهه گذشته کلیسای کاتولیک واتیکان نیز بارها به بحران موجود در تمدن غرب اشاره کرده و تأکید نموده است که غرب به سوی تباهی و مرگ پیش می‌رود و تنها راه نجات آن گرایش به خدا و هم‌گامی با اوست. از جمله در سال ۱۳۷۶، کاردینال راتزینگر رییس مجمع دفاع از مکتب کاتولیک و یکی از عاملان اصلی انتخاب جانشین پاپ، ناراضیتی خود را از روند دنیای امروز با ارائه مصاحبه‌ای در رم اعلام کرد:

اگر به اطراف خود نگاهی بیندازیم، می‌بینیم که دنیا سراسر از فساد، الکلیسم و مواد مخدر پر شده است. این سبک زندگی ما را مجبور می‌کند به هم‌دیگر به چشم یک رقیب نگاه کنیم. در زندگی غربی ما هرچه داریم باز بیشتر می‌خواهیم و این راه انسان را به طرف مرگ، خستگی از زندگی و دوست‌نداشتن خود و دیگران سوق می‌دهد.

تنها راه نجات انسان انتخاب کردن خدا و همگام بودن با وی و اعتماد به اوست. دنیای غرب با حرکت در زمینه‌های تکنیکی و مادی، اوضاع جهان سوم را وخیم‌تر کرده و نهادهای مذهبی اخلاقی و اجتماعی کشورهای درحال توسعه را از بین می‌برد. (کیهان، ۱۳۷۶)

هم‌چنین در جهان امروز اگرچه گسترش ارتباطات الکترونیکی و اینترنتی موجبات پیش‌رفت‌های علمی شگرفی را پدید آورده است، همین ابزار علمی و فرهنگی نیز به دلیل سوء استفاده و کاربری‌های غلط، آسیب‌های خطرناکی را متوجه فرهنگ بشری نموده و انحطاط‌های اخلاقی خانمان‌سوزی را ایجاد کرده است که امریکاییان در این زمینه پیش‌قراول هستند. برای نمونه و به گزارش موسسه آنلاین ام. بی. ای در خرداد ۱۳۸۹، ۲۴ میلیون سایت

غیر اخلاقی در جهان وجود دارد که دوازده درصد از کل وب‌سایت‌ها را دربر می‌گیرد. بر این اساس چهل میلیون امریکایی پرسه‌زن در این نوع سایت‌ها، مشغول‌ترین کاربران موضوعات غیر اخلاقی در اینترنت هستند. از هر سه کاربر یکی زن بوده و هفتاد درصد از کاربران بین هجده تا ۲۴ ساله هستند که به طور ماهانه به این سایت‌ها مراجعه می‌کنند. صنعت موضوعات مستهجن در امریکا سالانه ۲/۸۴ میلیارد دلار و در جهان ۴/۹ میلیارد دلار درآمد را به گونه‌ی مستقیم نصیب صاحبانش کرده است. بنابه این گزارش فقط در سال ۲۰۰۶ بیشتر از ۹۷ میلیارد دلار درآمد از اینترنت به طور مستقیم و غیر مستقیم مربوط به موضوعات مرتبط با مستهجن بوده که این مبلغ افزون بر امریکایی‌ها نصیب چینی‌ها نیز شده است. همچنین روزانه ۲/۵ میلیارد ایمیل مستهجن در اینترنت به جعبه‌نامه‌ی کاربران ارسال می‌شود که این رقم معادل هشت درصد از کل ایمیل‌ها را شامل می‌شود. گزارش مزبور حاکی از آن است که ۲۵ درصد از تمام کلمات جست‌وجو شده در اینترنت محتوای غیر اخلاقی دارند که معادل ۶۸ میلیون درخواست کلمه در روز است.

به گزارش این بررسی، ۳۵ درصد از تمام دانلودهایی که در اینترنت می‌شود موضوع مستهجن داشته است، همچنان‌که ۳۴ درصد از کاربران به طور ناخواسته مثلاً از طریق «پاپ‌آپ» و تبلیغات ناگهانی محتویات این موضوع را روی صفحه خود دیده‌اند. روزی ۱۱۶ هزار جست‌وجوی مستهجن و غیر اخلاقی در مورد موضوعات افراد کم سن و سال نیز در امریکا صورت می‌گیرد و یازده سالگی اولین سن در امریکا است که به جست‌وجوی موضوعات غیر اخلاقی در اینترنت پرداخته می‌شود. همچنین بیست درصد از کارمندان اعلام کرده‌اند هنگام کار در اداره، روی اینترنت فیلم‌های مستهجن می‌بینند. گزارش مزبور بیان می‌دارد که در هر ثانیه ۳۰۷۵ دلار پول صرف موضوعات مستهجن آنلاین می‌شود. همچنین ۲۸۲۵۸ کاربر اینترنت در هر ثانیه این نوع سایت‌ها را تماشا می‌کنند و در هر ثانیه نیز ۳۷۲ کاربر کلمات غیر اخلاقی را تایپ می‌کنند. هر ۳۹ ثانیه نیز در امریکا یک ویدیوی مستهجن تولید و روی اینترنت گذاشته می‌شود.

این روی‌کردهای غیر اخلاقی و ضد فرهنگی موجب تأثیرات بسیار مخربی در سست کردن نظام خانواده در غرب شده است تا جایی که در برخی از این کشورها یا تمایل به تشکیل خانواده کم شده یا تشکیل رسمی و متعهدانه خانواده جای خود را به «هم‌زیستی غیر رسمی» و ناپایدار داده است. شاهد این مدعا آن است که بنابه آمارهای رسمی دفتر فدرال آلمان در سال ۲۰۰۸ میلادی ۲۰۸ هزار کودک در این کشور به ظاهر متمدن غربی بدون ازدواج متولد شدند که ۳۲ درصد نوزادان این کشور را تشکیل می‌دهند که این رقم در شرق این کشور بیش از پنجاه درصد است. (یک‌سوم کودکان آلمانی نامشروع هستند، ۱۳۸۹) (تابناک، ۱۳۸۹: ۹۶۷۰۰)

به نظر می‌رسد با توجه به چنین نشانه‌هایی از انحطاط تدریجی اخلاقی و فرهنگی نظام‌های غربی، می‌توان گفت نظریهٔ رویارویی یا برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون و درگیری، تعارض و جنگ نرم این فرهنگ مادی با فرهنگ متعالی اسلامی در حال تحقق است.^۱

۲-۴. در برخی کشورهای اسلامی

متأسفانه وضعیت فرهنگی کشورهای اسلامی نیز از آسیب‌های تمدن مادی و جنگ نرم آن مصون نمانده و کار بدان‌جا کشیده که حتی کشورهایی مانند عربستان که مقدس‌ترین اماکن مذهبی مسلمانان را در خود جای داده دچار معضلات فرهنگی و اخلاقی عدیده‌ای گشته است. به اعتقاد کارشناسان، فساد اخلاقی و انحرافات جنسی روزافزون در عربستان سعودی امروز دیگر تنها ناهنجاری فرهنگی و اجتماعی و قابل کتمان کردن نیست و به مشکلی بزرگ در این کشور تبدیل شده است. لذا برای اثبات این مدعا تنها به ذکر چند گزارش مستند در این باره پرداخته می‌شود.

بنابه گزارش «العالم»، پرسش‌های بسیاری در محافل مختلف اجتماعی و فرهنگی به‌ویژه خانواده‌های عربستانی دربارهٔ علت گسترش فساد اخلاقی و انحرافات جنسی در این کشور مطرح است و امروزه آشکارا در رسانه‌های سعودی از ازدواج‌های غیرقانونی، تجاوز به نوامیس، خرید و فروش مشروبات الکلی و بازداشت منحرفان جنسی در رسانه‌های سعودی منتشر می‌شود، در حالی که گذشته انتشار این دست اخبار خط قرمز بود و دولت سعودی با سیاست پنهان‌کاری سعی در کتمان آن داشت. در همین راستا، علی الحناکی، رییس بخش وزارت امور اجتماعی عربستان در شهر مکه مکرمه، گفته است: «انواع فساد اخلاقی در عربستان دیگر تنها پدیده‌های زشت نیستند، بلکه به یک معضل و مشکل بزرگ برای دولت و مردم تبدیل شده‌اند و اقدامات کنترلی نتوانسته آن را مهار کند.»

در این گزارش به مطلب مجلهٔ امریکایی *آتلانتیک* چنین اشاره شده است:

دولت عربستان که به عقاید وهابیت ملتزم است، از اختلاط بین زن و مرد جلوگیری می‌کند؛ اما فساد اخلاقی علنی در این کشور رو به افزایش است و این در حالی می‌باشد که انواع این فساد به صورت مخفی رواج دارد. «گسترش فساد اخلاقی در عربستان سعودی، ۱۳۸۹» (پایگاه خبری - تحلیلی تابناک، ۱۳۸۹: ۹۷۸۸۰)

۱. هانتینگتون بی‌آن‌که هم‌چون برخی از تحلیل‌گران، پایان جنگ سرد را ختم ستیزه‌های ایدئولوژیک تلقی کند، آن را سرآغاز دوران جدید «برخورد تمدن‌ها» می‌انگارد. به نظر وی تمدن بالاترین گروه‌بندی فرهنگی و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی است و بر این اساس، خصومت هزار و چهارصدساله اسلام و غرب در حال افزایش است و روابط میان دو تمدن اسلام و غرب آستان بروز حوادثی خونین می‌شود. بدین ترتیب، پارادایم برخورد تمدن‌ها دیگر مسائل جهانی را تحت شعاع قرار می‌دهد و در عصر نو، صف‌آرایی‌های تازه‌ای بر محور تمدن‌ها شکل می‌گیرد و سرانجام نیز تمدن‌های اسلامی و کنفوسیوسی در کنار هم، رویاروی تمدن غرب قرار می‌گیرند. خلاصه این‌که کانون اصلی درگیری‌ها در آینده، بین تمدن غرب و اتحاد جوامع کنفوسیوسی شرق آسیا و جهان اسلام خواهد بود. در واقع درگیری‌های تمدنی آخرین مرحلهٔ تکامل درگیری در جهان نو است. (نک: ساموئل هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۲۲-۲۳)

پاره‌ای از صاحب‌نظران و آگاهان عربستانی نیز بر صحت این موضوعات ناخوش‌آیند مهر تأیید زده‌اند، از جمله «امل زاهد» نویسنده زن عربستانی تأکید می‌کند: چاره‌ای نداریم که اعتراف کنیم در جامعه عربستان انواع فساد اخلاقی در حال افزایش بوده و در بیشتر خیابان‌های شهرهای عربستان مظاهر فساد علنی شده است. وی با بیان این‌که انحرافات جنسی در عربستان معضلی پیچیده و خطرناک شده، خاطر نشان کرده است: افزایش و رواج موسیقی‌های مبتذل و انتشار مطالب گمراه‌کننده، جوانان سعودی را در معرض فساد و خانواده‌های این کشور را در آستانه فروپاشی قرار داده است. وی تأکید کرده است: دولت سعودی با اعمال زور و سیاست‌های سخت‌گیرانه نتوانسته است مانع رواج و گسترش فساد اخلاقی و انحرافات جنسی در جامعه عربستان شود و بیشتر جوانان عربستانی از خطرهای پیش روی خود آگاه نیستند. (همان)

۳-۴. در جمهوری اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران به منزله انقلابی فرهنگی و تمام‌عیار، به‌ویژه تا پایان دهه ۱۳۶۰، هنوز متأثر از فضای ارزشی انقلاب و جنگ تحمیلی بود و کاستی‌ها و آفات فرهنگی چه در سطح مسئولان و چه در سطح مردم کمتر به چشم می‌خورد. متأسفانه به دلایل مختلف داخلی و خارجی، این فضای ارزشی و فرهنگی دچار خدشه‌هایی گردیده و موجبات نگرانی دل‌سوزان انقلاب را فراهم آورده است.^۱ بی‌دلیل نیست که رهبر معظم انقلاب، بارها به ضرورت جدی گرفتن بخش فرهنگ و رفع مظلومیت از این بخش اشاره نموده‌اند. (نک: خامنه‌ای، ۱۳۸۶)

حتی جنبه‌های فرهنگی عملکرد دولت‌های پس از انقلاب در ارزیابی‌ها بسیار مغفول واقع شده و ارزیابی‌های مزبور بیشتر دارای رویکردهای تخصصی سیاسی و اقتصادی است و بسیاری از کارشناسان هم متوجه این نقیصه شده‌اند. برای نمونه، معاون پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، با برشمردن چالش‌های اجتماعی ده سال آینده ایران، به بیان آمارهای متعدد از جمله رسیدن آمار راست‌گویی ایرانیان به زیر چهل درصد و رشد ۱۳۳ درصدی فساد اقتصادی و اختلاس پرداخته و اذعان داشته است:

همه از طرح تحول اقتصادی صحبت می‌کنند، اما یک نفر مقاله‌ای ننوشته است که در کنار تحول اقتصادی نیازمند طرح تحول اجتماعی هم هستیم. جامعه‌ای که به دنبال توزیع ثروت در کشور است باید به فکر چند میلیون نفر معتاد، شکاف طبقاتی، آمار بالای طلاق، رشوه و ارتشاء، بی‌عدالتی، پارتی‌بازی و... هم باشد، اما کسی به تحول فرهنگی فکر نمی‌کند. (صالحی، ۱۳۸۷: ۳)

از سوی دیگر، ضعف «فرهنگ کار» نیز از امراض فرهنگی موجود در کشورمان به شمار می‌آید. فرهنگ کار به منزله شیوه زندگی، نقش بنیادی و زیربنایی در ارتقای سطح پویایی جوامع

۱. نگارنده این موضوع را در اثر جدید خود بررسی نموده است. (نک: اخوان کاظمی، ۱۳۸۹)

دارد. زمانی که فرهنگ کار نهادینه شود، کار ارزش تلقی می‌شود و همه افراد جامعه در سطوح مختلف کار کردن را مسیر توسعه موزون جامعه می‌شمارند و از طریق کار صحیح و بهینه، به توسعه اقتصادی کمک می‌کنند.

عبادت دانستن کار، در نگرش اسلامی گامی بسیار بزرگ و مؤثر در ارتقای فرهنگ عمومی است و اگر کار را عبادت بنگرند، تلاش و کوشش افراد بیشتر و مشکلات در پرتو تلاش رفع می‌شود. بسیاری از محققان و جامعه‌شناسان علت اصلی عقب‌ماندگی، توسعه‌نیافتگی و ناکارآمدی موجود در جهان سوم را ضعف فرهنگ و اخلاق کار دانسته‌اند. از جمله به ادعای برخی از مطالعه‌ها و پژوهش‌هایی هم که در ارتباط با علل توسعه‌نیافتگی در ایران صورت گرفته‌اند از موانع عمده در این راه موانع فرهنگی به‌ویژه ضعف فرهنگ و اخلاق کار در ایران و وجود ناکارآمدی در سامانه نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورمان است. از مصادیق و نشانه‌های بارز ضعف فرهنگ کار و ناکارآمدی مذکور، به وجود نسبی و پرنوسان نشانه‌هایی مانند کم‌کاری، تنبلی و فرار و یا غیبت از محل کار و اتلاف وقت در آن، کمبود برنامه و بی‌انضباطی و «کار هیئتی»، پایین بودن ضریب بهره‌وری، بی‌کاری پنهان، بی‌مسئولیتی و بی‌انگیزگی و ضعف وجدان کاری، پایین بودن ساعت متوسط کاری، تعطیلی‌های فراوان، مدرک‌گرایی، وجود فرهنگ مصرف‌زدگی، رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی، ضعف کار جمعی و سازمانی، ناهم‌خوانی مشهود مدارک تحصیلی با نوع کار تخصصی، فقدان بسترهای لازم کارآفرینی و خلاقیت‌های عملی، مغفول ماندن توجه به فرهنگ کار و مهارت‌های حرفه‌ای در نظام آموزشی و بوروکراسی‌های دست و پاگیر در سازمان‌ها و ادارات دولتی و خصوصی می‌توان اشاره کرد. افزون بر این، پدیده‌هایی چون ول‌گردی، بزه‌کاری، فحشا، فعالیت‌های مخفی و خلاف، از جمله تبعات بی‌کاری به شمار می‌روند. همچنین باید خاطر نشان کرد که وجود این‌گونه ناکارآمدی‌ها و ضعف فرهنگ کار نیز مورد تأیید و اشاره دستگاه‌ها و مراکز پژوهشی قرار گرفته است. (نک: دومین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پیرامون اشتغال جوانان)

در همین راستا یکی از اصحاب اندیشه بیست عامل عقب‌ماندگی ایرانیان را در فرهنگ جامعه جست‌وجو نموده است. مصطفی ملکیان با اعتقاد به اولویت فرهنگ بر سیاست، وظیفه روشن فکر را نقد فرهنگی جامعه می‌داند تا نقد سیاسی دولت. بر همین مبنای عوامل عقب‌ماندگی ایرانیان را این بیست عامل می‌داند: پیش‌داوری، جزمیت و جمود، خرافه‌پرستی، بها دادن - زیاد از حد - به داوری‌های دیگران نسبت به خود، هم‌رنگی با جماعت، تلقین‌پذیری، القا‌پذیری، تقلید، پذیرش صرفاً تعبدی، شخصیت‌پرستی، تعصب، اعتقاد به برگزیدگی، تجربه نیندوختن از گذشته، جدی نگرفتن زندگی، نسبت‌سنجی در امور، دیدگاه مبتذل به کار، قائل نبودن به ریاضت، از دست رفتن قوه تمیز بین خوش‌آیند و مصلحت، زیاده‌گویی، زبان‌پریشی و ظاهرنگری. از نظر ملکیان،

فرهنگ مزبور زیربنای سیاست و اقتصاد فعلی است و حاکمان، زاینده این فرهنگ و رژیم سیاسی مولود مردم است و رژیم سیاسی بهتر به فرهنگ بهتر نیاز دارد. (نک: ملکیان، ۱۳۸۵)

فرهنگ سیاسی کشورمان نیز خالی از آفات نبوده است، همچنان‌که نگارنده در اثر دیگری، (نک: اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۲۲۹-۲۴۹) فرهنگ سیاسی ایران را - از دید خود و برخی صاحب‌نظران - دارای صفات منفی زیر دانسته است: ضعف فرهنگ سیاسی مشارکتی و مدنی، قوت فرهنگ سیاسی تبعی - احساسی و توده‌ای، تأثیرپذیری از فرهنگ سیاسی عشیره‌ای، (نک: سریع‌القولم، ۱۳۷۷: ۳۳-۳۴؛ ۱۳۷۷: ۸۶-۱۰۰؛ ۱۳۷۸: ۵۸-۷۶) تبارگمانی و خویشاوندسالاری، ضعف روحیه کار جمعی، عزلت‌جویی و سیاست و جمع‌گریزی، عوام‌زدگی، وجود روحیه فردگرایی صوفیانه، بینش مطلق‌گرایی، ضعف روحیه اعتماددورزی و مسئولیت‌پذیری، عدم تساهل و سعه صدر، شخصیت‌پرستی، رابطه‌ورزی به جای ضابطه‌گرایی، تعصب و افراط‌گرایی، تملق‌جویی و... هرچند در این زمینه نیز همانند سایر مباحث علوم انسانی نمی‌توان موارد و مصادیق یاد شده را حاصل قوانین مطلقاً علمی دانست و آنها را بیان از واقع شمرد.

افزون بر این، باید یادآور شد که بسیاری اصول‌گرایان و صاحبان اندیشه و هم‌چنین مراجع عظام تقلید در چند سال اخیر و به‌ویژه این ایام، ضعف عفاف و بدحجابی در جامعه را معضل اجتماعی و آفت فرهنگی و اخلاقی نگران‌کننده در کشور مطرح کرده‌اند^۱ که البته در این بین نمی‌توان از تأثیرات مخرب فرهنگی عملکرد ماهواره‌های خارجی و تهاجم فرهنگی آنها غافل شد.^۲ ضمن این‌که عملکرد رسانه ملی در این زمینه فرهنگی نیز راضی‌کننده نبوده است، تا جایی که آیت‌الله حسین نوری همدانی، از مراجع تقلید، ضمن تأکید بر لزوم اجرای فعالیت‌های فرهنگی در زمینه گسترش عفاف و حجاب و ضروری شمردن تأسیس وزارت‌خانه‌ای به این منظور، از تلویزیون به مثابه خنثاکنده فعالیت‌های فرهنگی یاد نموده‌اند و با بیان این‌که اصلاح

۱. این نگرانی‌ها تا آن‌جا پیش رفته است که یکی از اساتید دانشگاهی و موسوم به اصول‌گرا به نام ابراهیم فیاض، در گفت‌وگویی با هشداد درباره شکل‌گیری انقلاب جنسی در ایران به دولت پیشنهاد داده است تا با سرعت و به صورت انقلابی خانه‌های ده، بیست و سی متری دنج و کم‌مؤنه را برای تخلیه جنسی ایجاد کند. وی در این گفت‌وگو با تأکید بر این‌که نمی‌توان غریزه جنسی را در خیابان ارضا کرد، افزوده است: «با این وضعیت اگر پیش برویم ما در ایران حتماً در چند سال آینده با مشکل مواجه خواهیم بود که اوج آن در هم‌جنس‌گرایی و روابط زنان و مردان همسردار خواهد بود که احتمالاً با تبلیغات دشمن هم تقویت خواهد شد». (نک: پایگاه خبری - تحلیلی فردا، ۱۳۸۹: ۱۱۹۲۷) البته اگرچه این اظهارات تا حدی غلوآمیز به نظر می‌رسد، حاکی از احساس نگرانی صاحب‌نظران از وضعیت منفی فرهنگ عفاف در بخش‌هایی از کشور است.

۲. نظرسنجی جدید صداوسیما در خرداد ۸۹ نشان می‌دهد که مخاطبان ماهواره در تهران طی یک سال گذشته افزایش معناداری پیدا کرده‌اند. ۴۵/۴ درصد از مردم تهران بیننده ماهواره هستند که نسبت به سال گذشته ده درصد افزایش یافته‌اند. از این مقدار ۴۰/۹ درصد بیننده شبکه‌های فارسی‌زبان هستند و چهارده درصد فقط شبکه خارجی می‌بینند. میانگین زمان تماشای ماهواره دو ساعت و پنج دقیقه است. ۴۸/۹ درصد از بینندگان ماهواره فارسی وان می‌بینند. ۵۰/۶ درصد از پرسش‌شوندگان گفتند که ماهواره با فرهنگ ما سازگاری ندارد و ۳۴/۸ درصد مخالفت کردند و گفتند که ماهواره منطبق با فرهنگ ماست. (نک: پایگاه خبری - تحلیلی فردا، ۱۳۸۹: ۱۱۲۹۸۵)

فعالیت‌های فرهنگی ابتدا در تلویزیون باید انجام شود، بر ضرورت اصلاح برنامه‌های فرهنگی عفاف و حجاب به‌ویژه در صداوسیما تأکید کرده و یادآور شده است برنامه‌های فرهنگی باید با منطق و استدلال به مخاطبان ارائه شود و البته در این زمینه باید با برخی برنامه‌های ضد دینی مقابله شود. (تابناک، ۱۳۸۹: ۱۰۴۳۵۵)

آیت‌الله مجتبی تهرانی نیز در درس اخلاق خود، به شدت از بی‌توجهی مسئولان در تربیت دینی جامعه و برخورد‌های شعاری با مسائل و مشکلات جامعه به‌ویژه در مسئله رواج بی‌حیایی و بی‌عفتی انتقاد کرده است. این استاد اخلاق و مرجع تقلید، هدف از بعثت انبیای الهی را تربیت جامعه و خارج کردن انبای بشر از حیوانیت و کشاندن آنها به وادی انسانیت و الهی شدن عنوان کرده و با تأکید بر سریع‌الوصول بودن حرکت جامعه به سمت فساد، خواستار برخورد قاطع با مظاهر فساد شده و بر این باور است که بدون این مواجهه، جامعه حتی بدون تحریک نیز خود به خود به سمت فساد خواهد رفت. (تابناک، ۱۳۸۹: ۹۹۸۷۸)

همچنین آیت‌الله مکارم شیرازی در دیدار رییس جمهوری با ایشان، یکی دیگر از نگرانی‌ها را مسئله فرهنگ دانسته و در اظهارات مهمی بیان داشته‌اند:

هم‌اینک به مسائل اقتصادی و سیاسی اهمیت زیادی داده می‌شود - البته باید این گونه باشد، اما نگرانی ما این است که به مسائل فرهنگی به آن مقدار که انتظار می‌رود اهمیت داده نمی‌شود... امر به معروف و نهی از منکر بسیار کم‌رنگ شده؛ حجاب که یک مسئله فردی نیست و تبدیل به یک نماد اسلام شده، ولی متأسفانه در این ایام وضع نامناسبی پیدا کرده است... نظام جمهوری اسلامی منهای مسائل فرهنگی فقط اسمی از آن می‌ماند و اگر مسائل اقتصادی و سیاسی خوب شود، اما مسائل فرهنگی واقعاً تضعیف شود، نمی‌توان نام اسلامی بر این نظام گذاشت. عده زیادی از متدینین از این مسائل فرهنگی رنج می‌برند. سزاوار است این مسئله مورد توجه و عنایت خاصی قرار گیرد. نکند مشغول شدن به مسائل سیاسی و اقتصادی ما را از این مسائل دور کند؛ زیرا مسائل فرهنگی تأثیر فراوانی در مسائل اقتصادی و سیاسی دارد. اگر این نگاه نسبت به مسائل فرهنگی اصلاح شود مردم می‌توانند بهتر و متحدتر در مقابل دشمن بایستند... باید برای احیای مسائل فرهنگی، حوزه‌های علمیه را در سراسر کشور تقویت کنیم. باید به موازات پنج برابر کردن بودجه ورزش توسط دولت، بودجه مسائل فرهنگی را چند برابر کنیم. (تابناک، ۱۳۸۸: ۹۰۸۶۸)

ایشان در بیان دیگری علت مشکلات اخلاقی نگران‌کننده در جامعه امروزی را متولی خاص نداشتن مسائل اخلاقی در جامعه دانسته و بر فوریت ایجاد وزارت امر به معروف و نهی از منکر^۱

۱. البته اگرچه تاکنون بحثی درباره تأسیس وزارت امر به معروف و نهی از منکر در کشور مطرح نشده، ولی خوش‌بختانه اخیراً طرح یک فوریتی امر به معروف و نهی از منکر که با ۱۰۳ امضا در مجلس شورای اسلامی ارائه شد با ۱۷۲ رأی موافق، دوازده رأی مخالف و ۲۶ رأی ممتنع در اوایل خرداد ۸۹ به تصویب رسیده است. این طرح دارای ۲۸ ماده است و طراحان، شرایط، حدود و کیفیت فریضه امر به معروف و نهی از منکر را مبتنی بر اصل هشتم قانون اساسی شامل تعاریف و الزامات آورده‌اند. بخشی از طرح مزبور ناظر به اعمالی است که در جامعه علنی باشد یا بروز اجتماعی داشته باشد و یا بدون ضرورت

برای رسیدگی به مسائل اخلاقی در مدارس و دانشگاه‌ها تأکید نموده‌اند و عدم رسیدگی به مسائل اخلاقی در جامعه را باعث ایجاد ناهنجاری‌های سیاسی و اقتصادی دانسته‌اند. (تابناک، ۱۳۸۹: ۹۶۹۰۰) متأسفانه هم‌اکنون در مورد متولی اصلی طرح سامان‌دهی حجاب و عفاف و اجرای امر به معروف و نهی از منکر و این‌که چنین امری بر عهده دولت است یا خیر، اختلاف‌نظرهای جدی در بین مسئولان با حوزویان (نک: روزنامه خبر، ۱۳۸۹: ش ۸۴۳۲، ۴: تابناک، ۱۳۸۹: ۱۰۴۸۸۹) و اصحاب فرهنگی^۱ وجود دارد و انتقادات متعددی نیز در این‌باره متوجه رییس‌جمهور و دولت وی شده است که یکی از آنها جدی نگرفتن اصل امر به معروف و نهی از منکر در میان دولتیان است و مسلماً این تفاوت آرا و سلیقه‌ها به استمرار نابسامانی‌های موجود در بخش فرهنگ و اخلاق اجتماعی دامن می‌زند.

۵. ضرورت‌ها و راهکارهای احیای فرهنگ در راستای تمهید ظهور

۱-۵. دیدگاه‌های امام راحل^{علیه‌السلام}

ظهور انقلاب اسلامی ایران اساساً با داعیه بسترسازی انقلاب جهانی امام عصر صورت پذیرفته است^۲ و این مطلب همواره مورد اذعان امام راحل^{علیه‌السلام} بوده و ایشان همیشه بر لزوم آمادگی برای فرج مهدی موعود^{علیه‌السلام} تأکید داشته و می‌فرمودند:

و ما باید در این‌طور روزها و در این‌طور ایام الله توجه کنیم که خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت... ما باید خودمان را مهیا کنیم از برای این‌که چنان‌چه موفق شدیم ان‌شاءالله به زیارت ایشان، طوری باشد که روسفید باشیم پیش ایشان. تمام دستگاه‌هایی که الآن به کار گرفته شده‌اند در کشور ما و امیدوارم که در سایر کشورها هم توسعه پیدا بکنند، باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی سلام الله علیه. (خمینی، ۱۳۷۱: ج ۱۲، ۴۸۲ - ۴۸۳)

تجسس ثابت شود که مضر به منافع عمومی و امنیت ملی است. هم‌چنین امر به معروف و نهی از منکر در مرحله تذکر لسانی، کتبی و ارائه شکایت و گزارش به مراجع ذی‌صلاح و وظیفه همگانی است و در مرحله یدی به حکومت اختصاص دارد. در بخش دیگری از این طرح آمده است: «به عنوان امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان دیگران را به پذیرش یا ترک عقیده‌ای خاص، اکراه یا اجبار و وادار کرد.» (نک: پایگاه خبری صداوسیما، ج ۱۱، ۱۳۸۹)

۱. از جمله علی‌مطهری، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، ضمن انتقاد شدید از وضعیت تحمل‌ناشدنی حجاب در برخی از مناطق کشور، معتقد است که امر به معروف و نهی از منکر یعنی یک اصلاح مستمر اجتماعی و برخوردار از حوزه وسیع که منحصر به مسئله عفاف و حجاب نیست. از نظر وی همه فقها نیز متفق القولند که آن بخش از امر به معروف و نهی از منکر که نیاز به اعمال قدرت دارد وظیفه دولت اسلامی است و وظیفه مردم نیست. وی با طرح این سؤال که چرا بر مسئله پوشش در اداره‌ها و اماکن دولتی نظارتی وجود ندارد و بدتر این‌که اعتقاد به نظارت به این امور در دولت فعلی وجود ندارد، بر این اعتقاد است که اگر دولت در اماکن عمومی نظارت کافی داشته باشد، ۶۰ درصد موضوع بی‌حجابی و ضعف فرهنگ عفاف حل می‌شود. از نظر این نماینده اصول‌گرا، «روح و جان انقلاب اسلامی همین مسائل فرهنگی است. هر قدر در انرژی هسته‌ای و پرتاب ماهواره پیشرفت کنیم، اما در مسائل فرهنگی و سبک زندگی بخواهیم راه غربی‌ها را در پیش بگیریم، توفیقی به دست نیاورده‌ایم. مهم این است که سبک زندگی اسلامی را تحقق بخشیم.» (نک: تابناک، ۱۳۸۹: ۴۷۵۳۹؛ خبر آنلاین، ۱۳۸۹: ۴۳۲۲۷)

۲. البته این داعیه بی‌دلیل نیست، هم‌چنان‌که روایات بسیاری در این زمینه و در تمجید ایرانیان و نیز اهالی قم با عنوان زمینه‌سازان ظهور آمده است. (برای اطلاع بیشتر نک: طبسی، ۱۳۸۶: ۶۵-۷۴؛ کورانی، ۱۳۸۶: ۷۲)

بدیهی است از منظر امام علیه السلام، یکی از آمادگی‌های مهم و سرنوشت‌ساز در بسترسازی ظهور می‌باید در زمینه فرهنگی باشد، هم‌چنان‌که پیدایی و پایایی انقلاب اسلامی ایران از آشکارترین نمادهای اصلاح و اعتلای فرهنگ ایرانیان بوده است. در تأیید این مدعا باید افزود که امروزه اصلی‌ترین رهیافت توضیح این انقلاب در بین صاحب‌نظران، رهیافت فرهنگی است و محور این رهیافت، توجه اساسی به نقش عنصر فرهنگ و به‌ویژه باورهای اسلامی و به‌طور خاص، مکتب تشیع، در ایجاد انقلاب و تحول اجتماعی است. (نک: شجاعیان، ۱۳۸۲: ۹۷-۲۱۹) قدردانی‌های مکرر امام خمینی علیه السلام از مجاهدت‌ها و تحول و بیداری ملت ایران، از بهترین شواهد تحول و تعالی بی‌سابقه رفتار و فرهنگ سیاسی مردم ایران است، همان‌طور که ایشان، شرافت، همت و فداکاری اسلام‌خواهانه این مردم را ستایش نموده (نک: خمینی، ۱۳۶۶: ۱۵۱-۱۵۲) و خود را منت‌گزار آنها دانسته است (نک: همان: ۸۲) و وجود چنین امت و پیروانی متعهد و مجاهد را به پیشگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام عصر علیه السلام تبریک عرض می‌کند (نک: همان: ۱۰۶) و در بیانی امت ایران را بهترین امت اسلامی در طول تاریخ و حتی بهتر از ملت حجاز در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و کوفه در عهد امیرمؤمنان و حسین بن علی علیه السلام دانسته و همراهی با چنین ملتی را برای خود افتخار به حساب می‌آورد. (خمینی، ۱۳۶۸: ۱۲)

دیدگاه‌های امام علیه السلام دربارهٔ مبحث تمدن و فرهنگ، اعم از تمدن غربی و اسلامی بسیار گسترده است. ایشان بارها تأکید می‌فرمایند که اسلام هیچ ضدیت و تقابلی با فرهنگ و تمدن ندارد، بلکه با فرهنگ و تمدن فسادآور و مبتنی بر مادیات و شهوات مخالف است. امام علیه السلام به خوبی به افشاگری تمدن مورد ادعای شاه سابق پرداخته و بر جنبه‌های فسادآوری و وارداتی بودن آن تأکید می‌ورزیدند، ضمن آن‌که اسلام را دارای تمدنی بالنده و پویا و فراگیر به‌شمار می‌آوردند و بر توحیدی بودن و عدالت‌خواهانه بودن این تمدن و حکومت اسلامی پای می‌فشردند. ایشان به شدت ضمن مبارزه با اتهامات دشمنان اسلام که این دینان را کهنه‌پرست و ناکارآمد در جهت ادارهٔ جوامع معرفی می‌کنند، نه‌تنها اسلام را دارای تمدن درخشان می‌دانستند بلکه وظیفهٔ مسلمانان و علما را آن برمی‌شمردند که در جهت اعتلای این تمدن و فرهنگ حرکت کنند و با تأسیس حکومت اسلامی و قبضهٔ قدرت، در مقابل استکبار و ستم‌کاران قد علم کنند و جمهوری اسلامی را پناهگاه امن مسلمانان جهان قرار دهند و در نهایت آرزومندند که ایران در راه پیشرفت و ترقی و سعادت انسانی به گونه‌ای حرکت کند که سرمشق جامعهٔ بشری قرار گیرد. به تعبیر امام علیه السلام «اسلام خود از پایه‌گذاران تمدن بزرگ در جهان بوده است. هر کشوری که به قوانین اسلام عمل نماید، بدون شک از پیش‌رفته‌ترین کشورها خواهد شد. ما امیدواریم که با پیروزی خود این مطلب را به جهانیان ثابت کنیم». (خمینی، ۱۳۷۱: ج ۵، ۲۰۴)

ایشان معتقد بودند که دست کم از مشروطه به بعد فرهنگ حاکم بر ایران، فرهنگی وابسته، استعماری و فاسد بوده است. (نک: همان: ج ۵، ۵۱) و نباید بلافاصله امید داشت با شکسته شدن این سد بزرگ شیطانی به بهشت موعود رسید و می‌افزودند:

ما به یک خرابه رسیده‌ایم؛ یک خرابه‌ای که فرهنگش سال‌های طولانی لازم دارد تا عوض بشود. مغزها که در آن رژیم تربیت شده است به تربیت خاصی، طول یک نسل می‌خواهد تا این که تغییر بکند. همه چیز باید تغییر بکند. (همان: ج ۱۲، ۴۷)

از منظر ایشان، فرهنگ از امور مهم به شمار می‌رود که در رأس امور واقع شده است (نک: همان: ج ۱۲، ۴۷) و مملکت صحیح با فرهنگ صحیح محقق می‌شود (نک: همان: ج ۱، ۳۹۰) و راه اصلاح هر مملکتی، فرهنگ آن مملکت است؛ اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود (نک: همان: ج ۳، ۳۰۵ - ۳۰۶) زیرا فرهنگ مبدأ همه خوش‌بختی‌ها و بدبختی‌های ملت است و فرهنگ ناصالح و تربیت‌های حاصل آن، موجب فساد بوده و جوان استعماری تحویل مملکت می‌دهد و اگر فرهنگ، صحیح و متناسب با منافع اسلامی و ملی باشد، جوان‌های صحیح به بار می‌آورد. (نک: همان، ج ۳، ۳۰۶)

از نظر امام راحل، فرهنگ در کنار آموزش باید پرورش یابد و جوانان باید تحت تربیت اسلامی و انسانی قرار گیرند و تحقق چنین امری، ضمانت عدم خیانت آنها به کشورشان خواهد بود. ایشان، تحول فرهنگی را به معنای برخورداری این فرهنگ از استقلال فکری و استقلال باطنی، به حساب می‌آوردند. (نک: همان: ج ۹، ۷۵)

ایشان در تمثیل بسیار جالبی فرهنگ را سایه‌ای از نبوت و فرهنگی‌ها را سایه‌ای از نبی به شمار می‌آورند و در بیانی شیوا و وظیفه الهی اصحاب فرهنگ را اقتدا به پیامبران و الگوگیری از آنان در ایفای وظیفه انسان‌سازی می‌دانند:

کأنه فرهنگ سایه‌ای است از نبوت و فرهنگی‌ها سایه‌ای هستند از نبی. این سایه باید عمل کند به آن طوری که ذی‌ظل عمل کرد... هر حرکتی پیغمبرها می‌کنند همانی است که مطابق رضای خداست؛ به حرکت او، به تحریک او حرکت می‌کنند. از خودشان حرکت ندارند. شما هم، فرهنگی‌ها هم، ظل انبیا باید باشید. (همان: ج ۷، ۴۲۹)

من ان شاء الله امیدوارم که همه شما موفق باشید و همه ما موفق باشیم به این که انسان‌ها ساخته بشود در این مملکت. انسان‌سازی باشد مملکت. چنانچه برنامه اسلام انسان‌سازی است. فرهنگ ان شاء الله انسان‌ساز باشد. (همان: ج ۹، ۷۶)

۲-۵. دیدگاه‌های مقام رهبری

پیرو اندیشه‌های امام راحل علیه السلام در سیره نظری و عملی، مقام معظم رهبری نیز بر وظیفه و تعهد انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی ظهور و ضرورت تجهیز و اعتلای فرهنگی در این مسیر تأکید فراوان کرده‌اند. به باور ایشان:

قیام اسلامی در ایران، برای اقامهٔ عدل بود. پیغمبران که آمدند، برای اقامهٔ عدل و قسط آمدند. بشریت که با عطش تمام منتظر امام زمان است و می‌خواهد مهدی موعود بیاید و چشم‌انتظار آن حضرت است، برای این است که او بیاید تا دنیا را از عدل و داد پر کند. این است آن پیامی که انقلاب اسلامی برای دنیا دارد و خودش هم متعهد و متکفل آن است. (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱)

مقام معظم رهبری به ضرورت احیا و اعتلای مجدد تمدن اسلامی و شایستگی ملت هوش‌مند و شجاع ایران در اجرای این مهم تأکید ورزیده و ضمن تشریح آفت‌های موجود برای رسیدن به این هدف دشوار، توصیه‌ها و راه‌بردهایی عرضه داشته‌اند. مقام معظم رهبری در بیان اهمیت مسائل فرهنگی و فرهنگ ملی اسلامی اظهار می‌دارند:

این‌جانب به مسائل فرهنگی بهای زیادی می‌دهم و اعتقاد راسخ دارم که قوام یک کشور و ملیت یک ملت به فرهنگ آن ملت است و بیش از هر چیز فرهنگ یک ملت وجه تمایز او را با سایر ملت‌ها نشان می‌دهد. (خبرگزاری ج.ا.ا، ۱۳۷۵: ۲۴۲)

رهبر انقلاب اهمیت سرمایه‌گذاری، به‌ویژه در امور فرهنگی را برای حفظ استقلال، رسیدن به خودکفایی، تأمین رفاه عمومی، تقویت تدین مردم و تحقق تمدن اسلامی خاطر نشان کرده و فرهنگ را نخستین مسئلهٔ کشور به شمار می‌آورند و معتقدند بدون تردید با پشتیبانی و تقویت بنیه‌های فرهنگی، پیش‌رفت کشور در تمامی زمینه‌ها تضمین خواهد شد و اگر فرهنگ کشور اصلاح و پایه‌های آن مستحکم نشود به احتمال زیاد برنامه‌ریزی در همهٔ کارها ابتر خواهد بود و به نتایج قطعی آن نمی‌توان امیدوار بود. (نک: همان) به اعتقاد ایشان، دفاع ملی در برابر خصومت‌ورزی قدرت‌های استکباری لزوماً متکی به فرهنگ، دانش و آموزش و در نتیجه کتاب و تولید کتاب است. (نک: خبرگزاری ج.ا.ا، ۱۳۷۵: ۲۰۱)

مقام معظم رهبری از امکان تحقق «حیات طیبه اسلامی» یاد کرده‌اند و بهره‌گیری از این حیات طیب و پاک را شایستهٔ ملت متعهد و متدین ایران اسلامی می‌دانند؛ حیات طیبه‌ای که به وسیلهٔ ارزش‌های اسلامی و استقرار حاکمیت اسلام بر کشور سایه خواهد افکند و مردم ایران با ایستادگی در مقابل دشمن، پایداری در عرصهٔ سازندگی، پای‌بندی به معارف و ارزش‌های دینی و حفظ قدرت سیاسی، اجتماعی و ملی، این حیات طیبه را به سایر ملت‌ها منتقل می‌کند؛ ملتی که عزت و سربلندی خود را از استقامت و خودباوری و نفی خودباختگی و تجمع بر محور اسلام ناب و ایستادگی در مقابل قدرت‌های بزرگ به دست آورده است. (همشهری، ۱۳۷۵: ش ۱۲۱۲)

به باور رهبر انقلاب، با تنبلی، بی‌حالی، اظهار ذلت، ضعف و ناتوانی و پای‌بندی به خرافات و بی‌اعتنایی به ارزش‌های والای اسلامی نمی‌توان یک کشور را بر طبق خواستهٔ خداوند و فرهنگ قرآنی تجدید بنا کرد. (همان) ایشان ایران اسلامی و ملت قهرمان ایران را شایستهٔ تجدید اعتلای تمدن اسلامی می‌داند، اما همین مردم و مجریان کشور را به اخلاق اسلامی، نوسازی

معنوی، داشتن وجدان کاری، انضباط اقتصادی و اجتماعی و پرهیز از اسراف فرامی‌خوانند. در اسفند ماه سال ۷۵، رهبر معظم انقلاب، انقلاب را به چهار مرحله تقسیم کردند:

یکم. پیروزی انقلاب اسلامی؛

دوم. شکست دشمن در جنگ تحمیلی؛

سوم. آغاز بازسازی؛

چهارم. نوسازی معنوی و استقرار عدالت اجتماعی.

ایشان در اجتماع عظیم مردم خوزستان بیان فرمودند:

سازندگی هنوز به همه اهداف خود نرسیده است؛ گام اصلی، نوسازی معنوی و استقرار عدالت است. البته این قدم چهارم هم برداشته شده است، منتها باید روبه‌روز شتاب بیشتری پیدا کند. موفقیت آن وقتی است که بتوانیم معنویت و دین و اخلاق و عدالت و معرفت و سواد و توانایی‌های گوناگون را در میان جامعه مستقر کنیم. (اطلاعات، ۱۳۷۵:

ش ۲۱۰۰۸)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند پس از تشکیل نظام عادلانه و برقراری عدالت اجتماعی، متمم انقلاب اسلامی، ترویج و توسعه مکارم اخلاقی در میان مردم و سپس در بین آحاد جامعه بشری است. (ایران، ۱۳۷۵: ش ۵۳۴) ایشان در پیام نوروزی سال ۷۶، آن سال را سال تحول اخلاقی و پرهیز از اسراف و تجمل‌گرایی معرفی نمودند که از عوامل انحطاط است، ضمن آن که انفعال، خودباختگی و تحجر را آفت‌های حیات طیبه و جامعه اسلامی یاد کردند. (رسالت، ۱۳۷۶: ش ۳۲۹۷)

مقام معظم رهبری در خلال سال‌های قبل از ۱۳۸۴ در منظری عام به راهبردهای اعتلای تمدن اسلامی و تحقق حیات طیبه اسلامی و موارد مُمَد و مَخَل آن اشاره نموده‌اند. ایشان با تأکید اساسی بر نوسازی معنوی، فرهنگی و عدالت محوری، در اردیبهشت ۱۳۸۰، نظام سیاسی ده‌ساله نبوی در مدینه را نمونه کامل حاکمیت اسلام برای همه ادوار دانستند و هفت شاخص مهم و برجسته آن را ایمان و معنویت، قسط و عدل، علم و معرفت، صفا و اخوت، اصلاح اخلاقی و رفتاری، اقتدار و عزت، و کار و حرکت و پیش‌رفت دایمی به شمار آوردند.

ایشان، دولت در نظام اسلامی را دولت کریمه دانستند و شرایط تحقق چنین دولتی را عزت، سربلندی، اعتقاد راسخ به راه اسلام و انقلاب، نفوذناپذیری و پایداری، قدر دانستن متاع گران‌قدر انقلاب و بیان آرمان‌ها و حرف‌های نو برای جامعه بشری از جمله مردم‌سالاری دینی، اعلام داشتند و تصریح کردند: فلسفه وجودی دولت در نظام اسلامی، تبدیل حرف‌های خوب به اقدامات خوب و اعمال صالح است و برای تحقق این مهم باید دولت را دولت کار و عمل قرار داد. برخی توصیه‌های فرهنگی ایشان در افزایش کارآمدی دولت به شرح زیر است:

- اولویت کامل مسئله عدالت در همه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و اجرای پروژه‌ها؛
 - پرهیز مسئولان از اشرافی‌گری و ممانعت از تجمل‌گرایی آنان در راستای تحقق عدالت و
 نفی پی‌آمدهای منفی این پدیده مذموم در فرهنگ عمومی؛
 - رعایت امانت و درست‌کاری توسط مسئولان و حفظ کامل و دقیق بیت‌المال و رعایت
 اولویت‌ها در هزینه کردن اعتبارات به عنوان مصادیق امانت‌داری دولت و کارگزاران آن؛
 - مبارزه قاطع با مفاسد مالی و اقتصادی و هر نوع فساد و اسراف و تبعیض در دواير مختلف و
 تحت هر نام و توجیه و ضرورت رعایت مفاد نامه هشت ماده‌ای به سران سه قوه در این باره؛
 - تقویت و استقرار معنویت و اخلاق و افزایش تدین مردم به منزله مهم‌ترین وظیفه دولت؛
 - جلوگیری از شیوع فساد و مقابله با تظاهر به بی‌دینی و مظاهر فساد. (نک: اطلاعات، ۱۳۷۹: ش ۲۲۰۷۷، ۷)

با روی کار آمدن دولت نهم در سوم تیر ۱۳۸۴، مقام معظم رهبری در موارد متعددی،
 سفارش‌ها، توصیه‌ها و تذکرات لازم را به دولت نهم و کارگزاران آن به صورت شفاهی و کتبی
 بیان نموده‌اند که به وضوح عمل به آنها به ارتقای افزون‌تر سطح فرهنگ در نظام مدد خواهد
 بخشید. برخی از آنها به شرح زیر است:

- ضرورت جدی گرفتن بخش فرهنگ و رفع مظلومیت از این بخش؛
 - انتقادپذیری، عدم رنجش از انتقاد و استقبال از آن با سعه صدر؛
 - توجه بسیار جدی به نهضت علمی در کشور و جبران عقب ماندگی‌ها و افزایش بودجه‌های
 تحقیقاتی؛ (نک: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶)
 - اجرای طرح امنیت اخلاقی و اجتماعی. (نک: همان، ۱۳۸۶)
 مقام معظم رهبری با اشاره به جهت‌گیری ارزشی و انقلابی دولت نهم تصریح می‌نمایند:
 با روی کار بودن یک دولت حزب‌اللهی و رییس جمهور مکتبی، زمینه برای حرکت عمیق
 فرهنگی بیش از پیش فراهم است و همه دستگاه‌های مسئول باید در جهت ارتقای
 ارزش‌های اخلاقی و ایمانی جامعه به طور جدی تلاش کنند. (نک: همان)

با وجود این، ایشان به دولت نهم و شخص رییس جمهوری سفارش نموده‌اند که از بخش
 فرهنگ رفع مظلومیت شود؛ زیرا خیلی از مشکلات جامعه با فرهنگ‌سازی حل می‌شود و عمده
 قوای دشمنان در جبهه فرهنگی به کار گرفته شده است. مقام معظم رهبری، فرهنگ سالم را با
 هوای سالم و قابل استنشاق مقایسه کرده‌اند که باید غیر مسموم باشد و به شدت به مجریان
 دولت نهم سفارش می‌نمایند که فرهنگ کشور با سرمایه‌گذاری وقت و امکانات لازم، دارای
 تحرک و جهت‌گیری ارزشی شود. (نک: همان، ۱۳۸۶) لذا درباره پیش‌رفت و تعالی به‌ویژه با ابزار
 فرهنگی چنین می‌فرمایند:

فرهنگ را دست کم نگیرید. خیلی مهم است؛ بنابراین صرف وقت کنید و در بودجه هم برایش پول و فصول قابل توجهی بگذارید تا جهت ارزشی به فرهنگ بدهید. از جمله کارهایی که مسئولین فرهنگی دولت خیلی باید به آن بپردازند و واقعاً یک دقیقه در آن فروگذار نکنند این که به فرهنگ عمومی جامعه و ابزارها و وسایل فرهنگی، جهت ارزشی بدهند؛ چون تلاش زیادی شده تا جریان‌های فرهنگی و عامل‌های فرهنگی هنر و ادبیات و شعر و سینما و بقیه در جهت غیر ارزشی حرکت کنند و راه بیفتند. شما باید کمک کنید و همه تلاشتان را بکنید که به تحرکات فرهنگی کشور در جهت ارزشی جهت بدهید. (همان)

سفارش مقام معظم رهبری به دولت نهم، تحقق پیش‌رفت و جلو بردن قافله علم و جبران عقب‌ماندگی‌ها از طریق میان‌بر پیش‌رفت‌های علمی است. از منظر ایشان، کشف راه‌های جدید با طی مقدمات علمی و گسترش علم و دانش و تعلیم در میان مردم، از ابزارهای مهم جبران این عقب‌ماندگی ناشی از دوران قبل از انقلاب است (نک: همان) و باید تلاش شود تا فرهنگ «علم‌گرایی و علم‌محوری» در همه بخش‌ها، گفتمان مسلط جامعه بشود. (نک: همان، ۱۳۸۵) و دولت اسلامی علاوه بر تأمین نیازهای مادی مردم و حل مشکلات معیشتی، توجه به مسائل فرهنگی، اخلاقی و رشد علمی جامعه را نیز باید در نظر گیرد و بسترهای لازم برای جریان اندیشه صحیح و اخلاق فاضله در جامعه را باید به وجود آورد. (نک: همان، ۱۳۸۶)

۶. وضعیت و مؤلفه‌های فرهنگی جامعه قبل و بعد از ظهور

۱-۶. ملاحم و آفات فرهنگی جامعه قبل از ظهور

روایات درباره ملاحم و نشانه‌های دوره قبل از ظهور، معمولاً سخن از آفات معنوی و قهقه‌رایی انسانیت در حوزه ضعف معنویات و اخلاق دارند و به عبارتی این نارسایی‌ها را در حوزه فرهنگ قلمداد می‌کنند. شاید بتوان گفت بشریت در دوره قبل از ظهور، در عین انحطاط فرهنگی، از حیث مادیات و تمدن مادی با پیش‌رفت ظاهری روبه‌رو باشد، هرچند که نتیجه چنین پیش‌رفت مادی، بدون برخورداری از فرهنگ معنوی، توحیدی و اخلاقی، جز سقوط و انحطاط نخواهد بود.

در بسیاری از روایات منقول از پیامبر ﷺ و معصومان علیهم‌السلام از زوال مکارم اخلاقی و بروز ناامنی‌ها، بی‌عدالتی‌ها، جنگ‌ها، هرج و مرج‌ها و فتنه‌های فراوان و فساد گسترده به عنوان ملاحم و نشانه‌های ظهور مهدی موعود ﷺ و ویژگی عصر غیبت یاد شده است، از جمله خطبه ۱۳۸ نهج‌البلاغه (نک: نهج‌البلاغه، ۱۳۸۱: خ ۱۹۰، ۱۳۸) چنین مضامینی دارد، چنان‌که پیامبر

اسلام ﷺ در این زمینه می‌فرماید:

مهدی این امت از ماست. هنگامی که در دنیا هرج و مرج و فتنه‌ها آشکار شود و راه‌ها مورد راه‌زنی قرار گیرد و بعضی از مردم به بعضی دیگر تهاجم کنند و بزرگ به کوچک رحم نکند

و کوچک‌تر احترام بزرگ‌تر را نگه ندارد، در چنین زمانی مهدی ما که نهمین امام از صلب حسین است، برج و باروهای گمراهی و قلب‌های قفل شده را فتح می‌کند و در آخرالزمان برای دین قیام می‌کند، همان‌طور که من در اول زمان، بدین قیام مبادرت کردم. او زمینی را که از جور پرشده، از عدل و داد، پر و سرشار می‌سازد. (مجلسی: ج ۵۲، باب ۲۵، ۲۶۶، روایت ۱۵۴)

عصر فرومایگی فرهنگی قبل از ظهور و ملاحم این دوره که مسخ همه ارزش‌ها و اخلاقیات الهی و انسانی را دربر دارد، از دید امام علی علیه السلام - با نگاهی به حکومت بنی‌امیه - به گونه‌ی مشابهی بیان شده و دارای ویژگی‌هایی مانند این موارد شناخته شده است: تثبیت، استواری و تهاجم باطل، ظهور و قوت‌یابی جهالت و نادانی و دروغ‌گویی، قلت حق‌گرایان و راست‌گویان، نقض قوانین الهی، دشمنی فرزند با پدر، کثرت فرومایگان و کم‌یابی کریمان، گرگ صفتی عامه مردم و درنده‌خویی پادشاهان، تظاهر به دوستی در عین دشمنی قلبی، نابودی مستمندان، افتخارجویی به کار گناه و شگفت‌آور شدن پاک‌دامنی. (نک: نهج‌البلاغه، ۱۳۸۱: خ ۱۵۱، ۱۰۸)

۲-۶. ملاحم و مؤلفه‌های فرهنگی جامعه پس از ظهور (دولت مهدوی)

نماد حکومت مهدوی، تکامل و تعالی اساسی در ابعاد معنوی فرهنگ است و اگرچه در ابعاد مادی فرهنگی و تمدنی جوامع بشری نیز این پیش‌رفت به وفور ملاحظه می‌گردد، کار ویژه و محور اصلی این حکومت، اصلاح فرهنگی آن هم در حوزه معنویت و اخلاق، با ابتدا بر فرهنگ توحیدی است و مقدم بر ارتقای ابعاد مادی تمدنی، به اعتلای فرهنگی نظر دارد و بر همین مبنا در مباحث بعد به صورت اجمالی، به ذکر برخی از ویژگی‌های فرهنگی این دولت موعود می‌پردازیم:

۱-۲-۶. تفوق فرهنگ توحیدی

حکومت جهانی مهدوی حکومتی الهی است که نخستین شالوده فکری، عقیدتی و فرهنگی آن خداپرستی است، هم‌چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «فرمان‌روایی او شرق و غرب عالم را دربر می‌گیرد. خداوند به واسطه او دین خود را بر همه ادیان غالب می‌گرداند و در زمین خرابه‌ای باقی نمی‌ماند و همگی آباد می‌شود.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی قائم آل محمد قیام کند، مکانی بر روی زمین باقی نمی‌ماند، مگر این که کلمه طیبه «لا اله الا الله محمد رسول الله» در آن جا به آواز بلند گفته می‌شود.» نتیجه استقرار فرهنگ توحیدی خدامحور در حکومت مهدوی، ظهور دولتی جهانی و مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و دینی خواهد بود و با پذیرش اسلام از سوی همه مردم جهان و عالم‌گیر شدن آن، دیگر هیچ مرز و امتیازات و اعتبارات بیهوده میان مردم نخواهد بود. محور این جامعه، خدا و احکام خداست و تعالیم اسلامی برای اداره جامعه جهانی کافی است.

۲-۲-۶. تعالی معنوی و اخلاقی در حیات طیبۀ مهدوی

تعالی معنوی و حیات طیبه، مهم‌ترین ویژگی فرهنگی و تربیتی نظام مهدوی است. امام علی علیه السلام در زمینۀ تبیین این نظام هدایت‌گر و متعالی و عاری از گناه، خبایث و رذایل اخلاقی فرموده است:

او [حضرت مهدی علیه السلام] خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند. در حالی که به نام تفسیر، نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد. (نهج البلاغه، ۱۹۰)

بدی می‌رود و خوبی باقی می‌ماند؛ رونق کشاورزی بی‌اندازه می‌شود؛ زنا، شرب خمر و ربا رخت برمی‌بندد؛ مردم به عبادت، شریعت و دیانت روی می‌آورند؛ نماز جماعت رونق می‌گیرد؛ عمرها طولانی می‌شود؛ امانات ادا می‌شود؛ درختان پر میوه می‌شوند؛ برکات فراوان می‌گردد؛ اشرار نابود می‌شوند؛ اخیار باقی می‌مانند؛ دشمنان اهل بیت باقی نمی‌مانند. (صافی گلپایگانی، ۵۹۳)

۲-۲-۳. تشخیص فرهنگی امام عصر علیه السلام

امام مهدی علیه السلام به عنوان انسان اکمل، مظهر عالی‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ متعال و معنوی است. بر مبنای روایات، وی متواضع‌ترین فرد جهان بشری در برابر خداوند بوده^۱ و در شتاب به سوی نیکی‌ها و بزرگواری‌ها، مجاهد و مجتهدی سخت‌کوش است.^۲ او کمال موسی، شکوه عیسی و شکیبایی ایوب را دارد (مجلسی: ج ۸۶، ۸۱) و می‌توان وی را سرآمد تهجدپیشگان و شب‌زنده‌داران و ساجدان به درگاه الهی به شمار آورد. بدین دلیل هر گونه تعالی و پیش‌رفت در عصر ظهور، معلول عواملی است که یکی از مهم‌ترین آنها وجود رهبری معصوم، پاک و منزّه از هر نوع عیب و نقص و برخوردار از غایت مکارم اخلاقی است. او فقط وابسته به خداست و بر خلاف نظام‌های سیاسی ملیت و سلطه‌طلب موجود، به همه ملت‌ها، جمعیت‌ها و نژادها، با چشم مهربانی و برابری نگاه می‌کند و فرقی بین اقوام، نژادها، ملیت‌ها نمی‌گذارد و به همه با دید یک‌سان می‌نگرد. به تعبیر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام «او عالم‌ترین، حکیم‌ترین، باتقواترین، صبورترین، بخشنده‌ترین و عابدترین مردمان است... و اگر چشمان او به خواب رود، قلبش بیدار است... (الزام الناصب، ۹ و ۱۰ به نقل از پورسیدآقایی و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۳۷ و ۴۳۹)

۲-۲-۴. اصلاح همه انحرافات با تحقق عدالت

توحید و خداباوری هسته اصلی فرهنگ، چه در دولت زمینه‌ساز و چه در دولت مهدوی است؛ ولی تحقق عدالت نیز در اصلاح انحرافات اعتقادی و رفتاری این دو دولت، نقش بسزایی دارد و می‌توان برپایی عدالت را از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی دولت مهدوی به شمار آورد. در حقیقت

۱. «قال الرضا علیه السلام: یكون أشد الناس تواضعاً لله عزوجل.» (نک: همان، ۴۲۶)

۲. «قال الرضا علیه السلام: الججاج المجاهد المجتهد.» (نک: جمال الاسوع، ۴۱۰ به نقل از: همان)

کارکرد عدالت در اندیشه اسلامی و مهدوی، بیش از آن که اقتصادی باشد فرهنگی، اعتقادی و عقلانی است؛ یعنی اجرای عدالت، همهٔ اعوجاجات، انحرافات، ناموزونی‌ها و نبود اعتدال‌ها را اصلاح می‌کند. بنابر این در خط مقدم این فرآیند عدالت‌ورزی و معتدل‌سازی، اصلاح انحرافات عقیدتی و سپس اخلاقی قرار دارد و با این اصلاح و از برآیند آن، اصلاحات اقتصادی و نظام توزیعی عادلانه و ایفای سایر استحقاق‌ها صورت می‌پذیرد. البته معناکاوی واژهٔ عدالت نیز مؤید این ادعاست.

کلمهٔ «عدل» را با چند معنا و کاربرد در اندیشه‌های اسلامی یاد می‌کنند که عبارتند از: راستی، درستی، راست ایستادن، راست کردن یا راست و درست قرار گرفتن و نشستن، اصلاح کردن یا ایجاد تغییر، برگشتن از یک مسیر غلط به مسیر صحیح، داد، مثل، موزون بودن، رعایت تساوی و نفی هرگونه تبعیض، قرار دادن و نهادن هر چیز در جای خویش، رعایت حقوق افراد و دادن حق به حق‌دار، رعایت استحقاق‌ها در افاضهٔ وجود توسط خدای متعال.

از سوی دیگر، «اعتدال» به معنای راستی، میانه‌روی، راست شدن، صاف شدن است، چنان که جور، ظلم، طغیان، میل و انحراف از متضادهای آن به شمار می‌روند.^۱

ابن‌منظور در باب مفهوم عدل بیان می‌دارد که آن‌چه در نفوس انسانی، مایهٔ اعتدال و استقامت و انتظام می‌شود، عدالت و متضاد آن جور است. (ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ۸۳) جور مغایر راستی و درستی و اعتدال بوده و به معنای انحراف است. از منظر ابن‌منظور، ظلم در لغت به معنی تاریکی و شکافی است که در زمین به وجود می‌آید و هم‌چنین به معنای «تجاوز از حد و قرار دادن چیزی در جای نامناسب» است. (همان: ج ۱۲، ۳۷۳) به تعبیر راغب، «ظلم تجاوز از حق را گویند، چه این تجاوز کم باشد، چه زیاد. لذا در گناه بزرگ و کوچک هر دو به کار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲: ۳۲۶)

دو معنای لغوی «راست» و «انحراف» در معنای اصطلاحی راستی و نادرستی گنجانده شده است. نیاز به گفتن نیست که مفاهیم درست و نادرست به طور التزامی در اصطلاحات «عدل» و «جور» قرار دارد؛ زیرا این دو اصطلاح اغلب در کلی‌ترین معنا استعمال می‌شوند، به گونه‌ای که ارزش‌های اخلاقی و مذهبی را دربر می‌گیرند. مفهوم عدل به معنای درستی و راستی، معادل مفاهیم منصفانه و انصاف است که شاید به طور دقیق‌تری در اصطلاح استقامت یا مستقیم و راست بودن بیان شده‌اند.

بدین ترتیب تحقق عدالت و رفع جور و ستم در معنای مطلق آن و مساوی با محو همهٔ انحرافات، از جمله شرک، کفر، گناه، امیال نفسانی و طاغی‌گری‌های فردی و اجتماعی است، همان‌گونه که امام علی علیه السلام دربارهٔ نابودی فساد اخلاقی و همهٔ انحرافات در عصر ظهور

۱. برای تبیین بیشتر، مراجعه به معجم لسان العرب مفید است.

فرموده‌اند: «خداوند در آخرالزمان مردی را برمی‌انگیزد که کسی از منحرفان و فاسدان نمی‌ماند، مگر این که اصلاح گردد.»^۱

بدیهی است که این هدف بزرگ در حوزه فرهنگ بشری، با کارویژه عدالت محقق می‌گردد، هم‌چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «... او زمین را از قسط و عدل پر می‌کند، همان‌گونه که پیش از آن از ستم و جفاکاری پر شده بود...» (مجلسی، بی‌تا: ج ۵۱، ح ۳۵، ۸۴)

بدین ترتیب، کارویژه اصلاحی و ترجیحاً فرهنگی عدالت، شامل تصحیح و راست نمودن همه جوامع و افراد بشری و حتی فاجران آنها نیز می‌گردد و این معنا در روایات و از جمله در روایتی از امام حسین علیه السلام به صورت زیر نقل شده است: «... إذا قام قائم العدل وسع عدله البر والفاجر؛ (همان، ج ۲۷، ح ۲۴، ص ۹۰، باب ۴) هنگامی که قائم قیام می‌کند، عدل گسترده می‌شود و این گستردگی عدالت، نیکوکار و فاجر را دربر می‌گیرد.»

امام خمینی علیه السلام در عبارت بسیار زیبا و بلیغی این کارویژه فرهنگی، تربیتی و اصلاح‌گرایانه، مطلق و موسّع از عدالت را چنین بیان فرموده است:

هر یک از انبیا که آمدند، برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که اجرای عدالت را در همه عالم بکنند لکن موفق نشدند. حتی رسول ختمی - صلی الله علیه و آله و سلم - که برای اصلاح بشر آمده بود و برای اجرای عدالت آمده بود و برای تربیت بشر آمده بود، باز در زمان خودشان موفق نشدند به این معنا، و آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می‌فهمند که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت. انسان اگر هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقلی، برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش این ایجاد عدالت است در انسان. اگر اخلاق منحرفی باشد، از این انحراف وقتی به اعتدال برگردد، این عدالت در او تحقق پیدا کرده است. اگر در عقاید یک انحرافاتی و کجی‌هایی باشد، برگرداندن آن عقاید کج به یک عقیده صحیح و صراط مستقیم، این ایجاد عدالت است در عقل انسان.

وقتی که ایشان ظهور کنند... تمام بشر را از انحطاط بیرون می‌آورد، تمام کجی‌ها را راست می‌کند: «يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ جَوْرًا» همچو نیست که این عدالت همان که ماها از آن می‌فهمیم که نه یک حکومت عادلانه باشد که دیگر جور نکند آن، این هست اما خیر، بالاتر از این معناست... تمام نفوسی که هستند انحرافات در آنها هست. حتی نفوس اشخاص کامل هم در آن انحرافات هست ولو خودش نداند. در اخلاق‌ها انحراف هست، در عقاید انحراف هست، در اعمال انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می‌کند انحرافش معلوم است. و ایشان مأمورند برای این که تمام این کجی‌ها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال... از این جهت، این عید، عید تمام بشر است... تمام بشر را ایشان هدایت خواهند کرد ان شاء الله، و ظلم و جور را از تمام روی زمین برمی‌دارند به همان معنای مطلقش. (خمینی، ۱۳۷۱: ج ۱۲، ۴۸۰-۴۸۲)

۱. «يبعث الله رجلاً في آخر الزمان... ولا يبقى طالعاً إلا صلح.» (حر عاملی، بی‌تا: ج ۳، ۵۲۴)

۵-۲-۶. اعتلای فرهنگ در گرو تحقق کامل امر به معروف و نهی از منکر

در عصر ظهور ابعاد معنوی فرهنگ در بستر احیای امر به معروف و نهی از منکر تحقق می‌یابد و «مهدی و یاران او امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند»^۱ و خداوند به وسیله حضرت مهدی علیه السلام این امت را پس از آن که تباہ شده‌اند، اصلاح می‌کند.^۲ او آثار گمراهی و هوی و هوس را نابود خواهد کرد، همان‌طور که در دعای ندبه این اشاره آمده است: «کجاست آن که ریسمان‌های دروغ و افترا را خواهد گسیخت؟ کجاست آن که آثار گمراهی و هوا و هوس را نابود خواهد کرد؟»

بر همین منوال، امام هیچ بدعتی را وا نمی‌گذارد، مگر این‌که آن را از ریشه برکند و از هیچ سنتی الهی نمی‌گذرد، مگر این‌که آن را برپا نماید.^۳

بدین ترتیب، عصر ظهور، با اجرای بهینه این دو فریضه الهی و اصلاحی، دوران تکمیل و متمیم مکارم اخلاقی و معنوی خواهد بود؛ دوره‌ای که با عملیات اصلاحی دولت مهدوی، آدمیان به نهایت تزکیه نفسانی، بلوغ و تکامل اخلاقی و فرهنگی می‌رسند و ایمان آنها از حیث عقیدتی و عمل کامل می‌شود و در نتیجه، مسلمانان و مؤمنان عزت می‌یابند و منافقان و بی‌دینان ذلیل می‌گردند، همان‌گونه که در دعای افتتاح، این وضعیت آرمانی و دولت کریمه مطالبه گردیده است.

امام عصر علیه السلام به تعبیر امام الرضا علیه السلام در حوزه اجرای معروفات و ترک منہیات شرعی و اخلاقی، پیش‌قراول بوده و پیش از همه به اوامر و نواهی الهی آمر و عامل است:

او برای مردم از خودشان سزاوارتر، از پدر و مادرشان مهربان‌تر و در برابر خداوند از همه متواضع‌تر است. آن‌چه به مردم فرمان می‌دهد، خود بیش از دیگران به آن عمل می‌کند و آن‌چه مردم را از آن نهی می‌کند، خود بیش از همگان از آن پرهیز می‌کند... (پورسیدآقایی و دیگران، ۴۳۷ و ۴۳۹).

۶-۲-۶. نظام‌نامه و میثاق فرهنگی دولت مهدوی

در مجموعه دعاهای حضرت مهدی علیه السلام که «صحیفه مهدیه» یا «صحیفه المهدی» (برای نمونه نک: قیومی اصفهانی، بی‌تا؛ مجتهدی، ۱۳۷۹) نامیده می‌شود نیز می‌توان نظام فرهنگی دولت مهدوی را مشاهده کرد. امام عصر علیه السلام در معروف‌ترین این ادعیه^۴ ضمن درخواست هدایت الهی برای خود و امتش از خداوند متعال توفیق فرمان‌برداری، شناخت و معرفت، جدیت و شوق و رغبت به علم‌آموزی، زهد و بی‌رغبتی به دنیا، نصیحت و خیرخواهی، نیت پاک و بی‌آلایش، رأفت و رحمت، وقار و متانت، توبه، حیا و عفت، تواضع و سعه صدر، صبر و قناعت، پایداری، دادگری و

۱. «قال الباقر علیه السلام: المهدی و أصحابه... یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر.» (نک: نعمانی، ۱۳۷۶: ص ۲۴۲، ح ۲۶)

۲. «قال النبی صلی الله علیه و آله: یصلح الأمة بعد فسادها.» (مجلسی، ج ۵۱، ۸۳)

۳. «قال الباقر علیه السلام: ... و لا یترک بدعة إلا أزالها و لا سنة إلا أقامها.» (همان، ج ۵۸، ح ۱۱)

۴. «اللهم الرزقنا توفیق الطاعة و بعد المعصية و...»

مهربانی، انصاف و سرشت نیکو مسألت می‌کند و از خداوند برای اصناف مختلف امت اسلامی، پرهیز و دوری از گناه و نافرمانی، غذای حرام و شبهه‌ناک، ظلم و تعدی، خیانت، سخنان بیهوده و غیبت، را طلب می‌فرماید. (کفعمی، بی‌تا: ۲۸۱)

نظام و منشور فرهنگی دولت مهدوی در پیمان‌نامه حضرت با یارانش نیز به چشم می‌آید، آن‌جا که امام مهدی علیه السلام با یاران عابد و زاهد خود برای شروع عملیات اصلاحی و الهی عدالت‌گسترش، میثاقی می‌بندد که به واقع می‌توان از آن به منشور فرهنگی دولت طیبۀ مهدوی یاد کرد:

با او بیعت می‌کند که هرگز دزدی نکند، زنا نکند، مسلمانی را دشنام ندهد، خون کسی را به ناحق نریزد، به آبروی کسی لطمه نزند، به خانۀ کسی هجوم نبرد، کسی را به ناحق نزند، طلا و نقره و گندم و جو ذخیره نکند، مال یتیم را نخورد، در مورد چیزی که یقین ندارد گواهی ندهد، مسجدی را خراب نکند، مشروب نخورد، حریر و خز نپوشد، در برابر سیم و زر سر فرود نیاورد، راه را بر کسی نبندد، راه را ناامن نکند، از اعمال منافی عفت اجتناب کند، خوراکی را نینبارد، به کم قناعت کند، طرف‌دار پاکی باشد، از پلیدی بگریزد، به نیکی فرمان دهد، از زشتی‌ها باز دارد، جامه‌های خشن بپوشد، خاک را متکای خود سازد، در راه خدا حق جهاد را ادا کند و... (صافی گلپایگانی، بی‌تا: ۴۶۹)

امام عصر علیه السلام نیز در بیان دیگری خود را مکلف به این بیعت‌نامه و منشور فرهنگی دانسته‌اند. (همان)

امام مهدی علیه السلام بر مبنای همین میثاق الهی و فضیلت‌مدارانه، «یارانش را در همه شهرها پراکنده می‌کند و به آنان دستور می‌دهد که عدل و احسان را شیوۀ خود سازند و آنان را فرمان‌روایان اقلیم‌های مختلف می‌گرداند و به آنان فرمان می‌دهد که شهرها را آباد سازند»^۱. به همین دلیل، حاصل چنین سیرۀ الهی و فرهنگی، همان‌طور که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید، تعظیم و تکریم امت اسلامی خواهد بود (قزوینی، ۷۵۰ - ۷۵۱، برگرفته از: عقدا لدر، باب ۷، ص ۱۴۴؛ صافی گلپایگانی، ۴۷۳) و بنابه فرمودۀ امیرمؤمنان علیه السلام، رعایت فرهنگ الهی و انسان‌دوستانه در عصر ظهور به آزادی همه بردگان، پرداخت همه بدهی بدهکاران و دیون کشته‌شدگان و پرداخت همه مظالم می‌انجامد. (همان، ۶۷۱-۶۷۲ برگرفته از: عیاشی، ج ۱، ۶۶)

۷-۲-۶. تعالی فرهنگی بر مبنای تربیت و آموزش

در نظام مهدوی، آدمیان به نهایت تزکیه، بلوغ و تکامل اخلاقی و فرهنگی می‌رسند، فساد و انحراف‌ها اصلاح می‌گردد و کینه‌های بندگان از دل‌هایشان زدوده می‌شود^۲ و غنا و بی‌نیازی

۱. قال الصادق علیه السلام: «یفرق المهدی أصحابه فی جميع البلدان و یأمرهم بالعدل و الإحسان و یجعلهم حکماً فی الأقالیم و یأمرهم بعمران المدن.» (نک: پورسیدآقایی و دیگران، ۴۸۳. برگرفته از: الامام المهدی، ۲۷۱)
۲. «و یرفع الشحاء و التباض»، (ابن طاووس، ۱۵۲)

جای حرص و طمع را می‌گیرد. (همان، ۷۱) الگوی توسعه فرهنگی در سیره معصومان علیهم‌السلام، به‌ویژه معصومانی که فرصت تشکیل حکومت یافته‌اند، تلاش برای نیروسازی و تربیت و آماده‌سازی آنها بوده است. نگاه به سیره امام علی علیه‌السلام در این زمینه راه‌گشاست. از جمله ایشان در نامه ۴۵ نهج البلاغه به عثمان بن حنیف، فرمان‌دار بصره، درباره ضرورت بینش‌دهی و تعلیم امت در نزد امام فرموده است: «بدان هر پیروی، پیشوایی دارد و به او اقتدا می‌کند و از نور علم وی منور و آگاه می‌شود.» (نهج البلاغه، ۱۳۹۲: نامه ۴۵، بند ۲، ص ۹۶۶) نیز فرموده است: «بر امام است که به افراد تحت ولایت خویش اسلام و ایمان را بیاموزد.» (التیمی الامدی، ۱۴۰۷: ۳۱۸) بر مبنای همین سیره علوی در روایات آمده است که امام عصر علیه‌السلام در آن حیات طیبه موعود، خود به تعلیم و تفسیر واقعیت‌های قرآن به مردم همت می‌گمارد و بواطن نامکشوف این مصحف شریف را برای آنها تشریح می‌کند. این گسترش فرهنگ علم‌آموزی و حکمت در جامعه بشری به گونه‌ای خواهد بود که به فرموده امام باقر علیه‌السلام در زمان مهدی علیه‌السلام به مردم حکمت یاد می‌دهند (مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۵۲) تا جایی که زنان خانه‌دار هم حکمت می‌آموزند و بی‌نیاز از دیگران بر اساس احکام الهی و نبوی به قضاوت می‌پردازند.^۱

امام علی علیه‌السلام وضعیت شگرف آموزشی و تربیتی عصر ظهور را چنین توصیف فرموده‌اند: «گویا شیعیانم را می‌بینم که در مسجد کوفه گرد آمده‌اند و با برپایی چادرهایی، مردم را به همان ترتیبی که قرآن فرود آمده بود، آموزش می‌دهند.» (مجلسی، ج ۵۲، ۳۶۴؛ نعمانی، ۳۱۸) کانون این نظام گسترده آموزشی و فرهنگی مساجد خواهد بود و در عصر ظهور مساجد فراوان و عظیمی ساخته خواهد شد، همان‌طور که امیرمؤمنان خبر از ساخت مسجدی در این عصر می‌دهد که در شهر «حیره» بنا می‌شود و دارای پانصد در و دوازده امام جماعت خواهد بود (مجلسی، ج ۵۲، ۳۷۵) و حتی ساخت گسترده مساجد در دیگر نواحی عالم مانند قسطنطنیه و حوالی آن به فراوانی صورت خواهد گرفت. (شریف تستری، ۱۴۱۱: ج ۱۳، ۳۱۲) افزون بر این، امام صادق علیه‌السلام خبر داده است که در این زمان در بیرون شهر کوفه (ظهرالکوفه) مسجدی با هزار در خواهد ساخت (مجلسی، ج ۵۲، ۳۳۰ - ۳۳۷) و امام باقر نیز در روایتی، امام عصر را سازنده مسجدی دارای هزار باب در منطقه‌ای به نام «غری» معرفی نموده است. (همان، ۳۳۰)

۸-۲-۶. محو جهالت و تکامل عقلانیت در فرهنگ مهدوی

در نگرش توحیدی، عقل جایگاهی بس بالا و والا دارد، هم‌چنان‌که پیامبران الهی در پرتو عقل توانستند بشر را در جهت سعادت دنیوی و اخروی هدایت کنند. در پرتو هدایت حضرت مهدی علیه‌السلام عقل‌ها به رشد و کمال وافی می‌رسند و شکوفا می‌گردند و با افزایش بصیرت عمومی،

۱. «... توتون الحکمة فی زمانه حتی إن المرأة لتقضى فی بیتها بکتاب الله تعالی و سنة رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم». (همان، ج ۵۲، ص ۳۵۲)

کوته‌بینی‌ها، تنگ‌نظری‌ها و افکار دون و ناپسند از جامعه رخت می‌بندد. عقول مردم در دوره ظهور به بالاترین مرحله کمال خویش می‌رسد. امام باقر علیه السلام در همین باره می‌فرماید: وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست عنایتش را بر سر بندگان می‌کشد و عقل آنها زیاد می‌شود و به دلیل این رشد عقلی، اخلاق آنها نیز کامل می‌گردد.^۱ بسیار بدیهی است که اولین لازمه این تکامل عقلانی، محو کامل جهالت است.

بدین ترتیب می‌توان گفت که کمال عقلانیت بشری در دوره ظهور، ضامن اعتلای فرهنگ و مدنیت است. افزون بر این، روایات فراوان دیگری بیان‌گر آن است که در عصر مهدوی، شکوفایی دانش بشری بدان‌جا می‌رسد که ۲۵ حرف از ۲۷ حرف کل دانش، کشف و در میان مردم منتشر می‌شود، همان‌گونه که امام صادق علیه السلام به تفصیل این شکوفایی علوم و بالندگی فن‌آوری را بیان نموده است. (مجلسی: ج ۵۲، ۳۳۶) بسیار هویداست که در این دوره طلایی فرهنگ و معرفت بشری، ارزش‌های الهی و انسانی و مکارم اخلاقی در وجوهی متعالی بر جوامع انسانی حاکم می‌گردند.

۹-۲-۶: تأمین رفاه، ضامن اعتلای فرهنگ

اعتلای فرهنگ بدون توجه به رفاه و وضعیت معیشتی مردم در واقع فاقد معنای لازم است و در اسلام توجه به «معاد» و «معاش» با هم دیده شده و این دو لازم و ملزوم هم دانسته شده‌اند. این تلازم در عصر ظهور در نهایت کمال محقق می‌گردد و همه انسان‌ها به‌ویژه مؤمنان از حیث معیشت و رفاه به عالی‌ترین سطوح ممکن خواهند رسید. توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله از این وضعیت بدین صورت است:

در آن زمان، امت من چنان از نعمت برخوردار شوند که هرگز امتی آن‌چنان از نعمت برخوردار نشده باشد؛ سرتاسر زمین محصول دهد و هیچ چیز را از آنان دریغ ندارد، اموال انبوه شود، هرکس نزد مهدی آید و بگوید به من مالی ده او بی‌درنگ می‌گوید: بگیر! (همان، ج ۵۱، ۸۸)

نتیجه

نگاهی اجمالی به وضعیت تمدن و فرهنگ دنیای معاصر به خوبی نشان می‌دهد که اگرچه با سرعت سرسام‌آوری بر پیش‌رفت‌های مادی و تمدنی بشر افزوده می‌گردد، ولی رشد تمدن مادی و یا به عبارتی رشد بخش مادی فرهنگ با بخش معنوی آن، همراه نبوده و جهان در حوزه فرهنگی به پس می‌رود و فرآورده‌های معنوی فرهنگ همانند اخلاق و دین‌باوری با توسعه‌ای

۱. مجلسی، ج ۵۲، ۳۳۶؛ صافی گلپایگانی، ۴۸۲. گفتنی است که در برخی کتب روایی (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۷۵؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸) به جای «أخلاقهم»، «أحلامهم» آورده شده است، یعنی حضرت قائم آرمان‌ها، آرزوها و فرزاندگی آنان را به تمامیت می‌رساند.

موزون، هم‌پا با تمدن و فن‌آوری‌های مادی ارتقا و تعالی نیافته‌اند. لذا وضعیت فرهنگی موجود، چه در جهان کنونی و چه در جهان اسلام از شرایط مطلوبی برخوردار نیست و حتی کشور ما نیز از این آسیب مصون نمانده است و به همین دلیل، اجرای اصلاحات فرهنگی جهت تمهید ظهور دولت موعود، ضروری به نظر می‌رسد.

در نتیجه چون بنیاد اصلی فرهنگ و تمدن اسلامی خدامحوری و اسلامیت آن است،^۱ تقرب بیشتر به این اصل و پاس‌داشت افزون‌تر آن نیز شرط اصلی بقا و اعتلای مجدد فرهنگ اسلامی و تمهید زمینه ظهور به شمار می‌رود؛ زیرا دین فقط یک عامل از عوامل تشکیل‌دهنده فرهنگ نیست بلکه واقعیت دین‌داری، کل فرهنگ را تشکیل می‌دهد و هر چیزی از وحی الهی سرچشمه می‌گیرد.

این نوشتار تلاش نموده تا این مدعا را ثابت کند که آسیب‌پذیری و انحطاط در جوامع فعلی، بیشتر از ناحیه فرهنگی است تا تمدنی و تکنیکی. به همین دلیل احیای فرهنگی و اعتلای جوانب معنوی فرهنگ، واجد نقش بی‌بدیل و راه‌بردی در زمینه‌سازی ظهور و حتی در دولت مهدوی است و می‌توان تحقق توحید و سپس عدالت را در اصلاح انحرافات اعتقادی و رفتاری، از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی و راه‌بردهای دولت مهدوی به شمار آورد.

اگرچه توحید و خداباوری، هسته اصلی فرهنگ، چه در دولت زمینه‌ساز و چه در دولت مهدوی است، تحقق عدالت نیز در اصلاح انحرافات اعتقادی و رفتاری این دو دولت، نقش بسزایی دارد و می‌توان برپایی عدالت را از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی دولت مهدوی به شمار آورد. در حقیقت کارکرد عدالت در اندیشه اسلامی و مهدوی، بیش از آن‌که اقتصادی باشد فرهنگی و اعتقادی است، یعنی اجرای عدالت همه اعوجاجات، انحرافات، ناموزونی‌ها و نبود اعتدال‌ها را اصلاح می‌کند.

از دیگر مؤلفه‌های اعتلای فرهنگی در زمینه‌سازی ظهور و حتی در دولت مهدوی می‌توان به تعالی معنوی و اخلاقی، تحقق کامل امر به معروف و نهی از منکر، محو جهالت و تکامل عقلانیت، رهبری و مدیریت صالحان، تربیت و آموزش و تأمین رفاه اشاره کرد که فرآیند اصلاح انحرافات و تکمیل مکارم اخلاقی را تحت پیشوایی امام معصوم علیه السلام و جانشینان مخصوص او در دوره قبل و بعد از ظهور به سامان می‌رسانند و زمینه حاکمیت فرهنگ توحیدی و مهدوی را فراهم می‌سازند.

۱. برای تأیید این مدعا می‌توان به نظر مرحوم علامه محمدتقی جعفری نیز استناد جست که معتقد بودند: «عدالت» و «کرامت انسانی» نیروهای اصلی نگاه‌دارنده و پایدارکننده تمدن‌ها هستند که در قالب اعتراف انسان به حقانیت الهی نهفته‌اند و اگر انسان آن را اقرار نکند سقوط، قطعی است. (نک: جعفری، ۱۳۷۳: ش ۲۷، ۴۹ و ۵۰)

منابع

۱. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۹، ۱۴۰۸ ق.
۲. اخوان کاظمی، بهرام، علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۳. اخوان کاظمی، بهرام، نقد و ارزیابی گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی مطرح در ایران (از دوم خرداد ۱۳۷۶ تا ۲۲ خرداد ۱۳۸۸)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
۴. اخوان کاظمی، بهرام، «راه‌بردهای اعتلای تمدن و فرهنگ اسلامی و تضمین امنیت فرهنگی»، فصل‌نامه مطالعات راه‌بردی، شماره سوم، بهار ۱۳۷۸ ش.
۵. اخوان کاظمی، بهرام، «بالندگی و اعتلای مجدد تمدن اسلامی در عصر نظام جمهوری اسلامی ایران»، تهران، واحد پژوهش معاونت سیاسی صدا و سیما، ج. ا. ا، ش ۷۹۶، مرداد ۱۳۷۶ ش.
۶. التمیمی‌الآمدی، عبدالواحد، شرح غررالحکم و دررالکلم، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ ق.
۷. الکفعمی، ابراهیم بن علی، مصباح الکفعمی، قم، منشورات اسماعیلیان، [بی‌تا].
۸. باتامور، تی‌بی، جامعه‌شناسی، ترجمه: سیدحسن منصور، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰ ش.
۹. بختی، کامران، فرهنگ انگلیسی - فارسی، مترادف و متضاد، تهران، نشر کلمه، ج ۱، ۱۳۷۱ ش.
۱۰. بشیریه، حسین، نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران، مؤسسه فرهنگی آینده‌پویان، ۱۳۷۹ ش.
۱۱. پایگاه اینترنتی مجلس شورای اسلامی. (www.majles.ir)
۱۲. پایگاه خبری - تحلیلی تابناک. (<http://www.tabnak.ir>)
۱۳. پایگاه خبری، تحلیلی فردا. (<http://www.fardanews.com>)
۱۴. پورسیدآقای، مسعود و دیگران، تاریخ عصر غیبت، قم، انتشارات حضور، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ش.
۱۵. پهلوان، چنگیز، فرهنگ‌شناسی (گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن)، تهران، نشر قطره، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۱۶. توسلی، غلام‌عباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم، ۱۳۷۱ ش.
۱۷. جبور، عبدالنور؛ ادريس، سهيل؛ المنهل (قاموس فرنسی عربی)، بیروت، دارالعلم للملایین، دارالاداب، چاپ هفتم، ۱۹۸۶ م.

۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة، قم، مطبعة العلمية، بی تا.
۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۶/۴.
(www.Leader.ir)
۲۰. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۱ ش.
۲۱. خمینی، روح‌الله، وصیت‌نامه سیاسی - الهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۲۲. خمینی، روح‌الله، در جست‌وجوی راه از کلام امام، دفتر ششم: رهبری انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۶ ش.
۲۳. دشتی، محمد، نهج‌البلاغه، قم، انتشارات حضور، ۱۳۸۱ ش.
۲۴. دوران، ویل، درآمدی بر تاریخ تمدن، ترجمه: احمد بطحایی، تهران، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی، ج ۱، ۱۳۶۵ ش.
۲۵. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱ (از دوره جدید)، ۱۳۷۳ ش.
۲۶. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۲ ق.
۲۷. زمانی، مصطفی، اسلام و تمدن جدید، تهران، کتابخانه صدر، ۱۳۴۸ ش.
۲۸. سریع‌القلم، محمود «مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۱۳۵-۱۳۶ آذر و دی ۱۳۷۷، ص ۳۳-۴۴؛ شماره ۱۳۷-۱۳۸، بهمن و اسفند ۱۳۷۷، ص ۸۶-۱۰۰؛ شماره ۱۳۹-۱۴۰ فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸، ص ۵۸-۷۶.
۲۹. شجاعیان، محمد، انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۳۰. شریف تستری، نورالله بن سید، احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۳۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب الاثر، قم، مکتب دآوری، بی تا.
۳۲. صالحی، سیدرضا، «راست‌گویی ایرانیان به زیر ۴۰ درصد رسیده است»، هفته‌نامه سلامت، ش ۱۹۱، ۲۷ مهر ۱۳۸۷.
۳۳. طبسی، نجم‌الدین، نشانه‌هایی از دولت موعود، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.
۳۴. «فرهنگ و تمدن اسلامی»، (مصاحبه با اساتید: مصطفی محقق داماد، غلام‌رضا اعوانی، فتح‌الله مجتبیایی، جلال‌الدین مجتبیوی)، نامه فرهنگ، ش ۴، زمستان ۱۳۷۲ ش.

۳۵. فوراستیه، ژان، تمدن سال ۲۰۰۱، ترجمه: خسرو رضایی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۳۶. فیض‌الاسلام، سید علی نقی، نهج البلاغه، بی‌جا، بی‌نا.
۳۷. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ترجمه و تحقیق: علی کرمی و سید محمد حسینی، قم، نشر الهادی، [بی‌تا].
۳۸. کوئن، بروس، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰ش.
۳۹. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه: مهدی حقی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ هشتم، ۱۳۸۶ش.
۴۰. کیهان، ش ۱۵۸۹۸، ۱۳۷۶/۱/۱۷.
۴۱. گنون، رنه، بحران دنیای متجدد، ترجمه: ضیاءالدین دهشیری، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲ش.
۴۲. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳ش.
۴۳. لوکاس، هنری، تاریخ تمدن، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران، ج ۱، توس، بی‌تا.
۴۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، [بی‌تا].
۴۵. مزلو، آبراهام هرولد، مذاهب، ارزش‌ها و تجربه‌های والا، ترجمه: علی‌اکبر شاملو، تهران، انتشارات آگه، ۱۳۸۶ش.
۴۶. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقدا لدر، قم، انتشارات مسجد جمکران.
۴۷. ملکیان، مصطفی، «بیست عامل عقب‌ماندگی ایرانیان»، پایگاه خبری آفتاب‌نیوز (www.aftabnews.com) ۲۶ خرداد ۱۳۸۵.
۴۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم جعفر، الغیبه، ترجمه: محمدجواد غفاری، قم، انتشارات صدوق، ۱۳۷۶ش.
۴۹. هانتینگتون، ساموئل، نظریه برخورد تمدن‌ها و منتقدانش، ترجمه و ویرایش: مرتضی امیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.
۵۰. جعفری، محمدتقی، «عدالت و کرامت انسانی نیروهای اصلی نگاه‌دارنده تمدن‌ها هستند»، جام، شماره ۲۷، تیر ۱۳۷۳ش.

51. Sir Edward Taylor, *Primitive culture :Researches into the Development of Mythology, philosophy, Religion, Language, Art and Custom*, (London. John Murray Ltd) vol. 1, 1871.
52. Raymond Williams, *Keywords* London, Fontana, 1983.
53. Voir, Paul Robert, Peit Robert, Le Rebert, 1989.